

# بلاغ احمدی

این مجله برای اولین بار در کشور به چاپ رسید و به عنوان اولین مجله تخصصی در زمینه تعلیم و تربیت و فرهنگ و هنر در کشور شناخته شد.

صحیفه سجادیه

# راهشهای زندگی



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، هنر و معارف

پایه هشتم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار.....
۱۲	مقدمه.....
۱۵	آشنایی با سیمای امام سجاد <small>علیه السلام</small> .....
۱۵	نام، کنیه و القاب حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> .....
۱۷	همسر امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> .....
۱۸	حاکمان هم عصر امام سجاد <small>علیه السلام</small> .....
۱۸	دفاع فرهنگی در عصر استبداد.....
۱۹	خطابه‌های حماسی و تأثیرگذار.....
۲۱	گفتگوهای دشمن‌شکن.....
۲۳	اشک‌های مؤثر.....
۲۴	حمایت معنوی از قیام‌های طاغوت‌ستیز.....
۲۵	نیایش‌های عارفانه و بیدارگر.....
۲۸	نظریه‌های علمی در صحیفه سجادیه.....
۲۸	حکومت معنوی در عصر خفقان.....
۲۹	کارآمدترین شیوه تربیتی.....
۳۲	تربیت انسان‌های صالح.....
۳۳	یاران و شاگردان حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> .....
۳۵	محبوبیت حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> از منظر دیگران.....
۳۶	نفوذ صحیفه سجادیه در قلب اروپا.....
۳۸	اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت.....
۴۰	زیباترین شیوه معاشرت.....
۴۰	پناه بی‌پناهان.....
۴۰	خدمتگزار ناشناس.....

عنوان: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی  
تدوین و تنظیم: اداره کل قرآن، عترت و نماز معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش.  
مشخصات نشر: تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی و فرهنگی، موسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۴۰-۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
عنوان دیگر: پرتوی از زندگینامه و صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام  
موضوع: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی  
شناسه افزوده: ایران، وزارت آموزش و پرورش، موسسه فرهنگی منادی تربیت  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ الف/۵۴۳ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۴۶۲۱۱



مؤسسه فرهنگی  
مناذری تربیت



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، عترت و نماز

عنوان کتاب: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی (پایه هشتم)  
تهیه و تنظیم: اداره کل قرآن، عترت و نماز معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش  
ناشر: موسسه فرهنگی منادی تربیت  
چاپ اول: ۱۳۹۵  
لیتوگرافی، چاپخانه و صحافی: دقت  
تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۴۰-۰  
ISBN 978-600-390-040-0  
Email: info@monadi.org  
WWW.monadi.org  
تهران، خیابان استاد نجات‌الهی، بین چهارراه سمیه و طالقانی، کوچه بیمه، پلاک ۲۶  
تلفن فروشگاه: ۸۸۹۳۱۸۵۲  
تلفن پخش: ۸۸۸۹۴۲۹۲  
نمابر: ۸۸۸۹۴۲۹۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال



«من به شما جوانان توصیه می‌کنم که بروید صحیفه سجادیه را بخوانید و در آن تدبیر کنید.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

آثار ناسپاسی به والدین .....	۷۵
* فراز نهم: بخشش اشتباهات والدین .....	۷۶
حقوق فرزندان بر والدین .....	۷۷
دعا برای والدین، وظیفه فرزند .....	۷۸
* فراز دهم: پاسخ بدی هرگز! .....	۷۹
محدوده اطاعت .....	۷۹
* فراز یازدهم: حقوق جبران ناپذیر .....	۸۲
فرق خدمات مادر و فرزند .....	۸۲
* فراز دوازدهم: امتیاز ویژه به والدین .....	۸۳
رمز توفیق استاد مطهری <small>رحمته الله علیه</small> .....	۸۳
* فراز سیزدهم: یاد همیشگی .....	۸۴
* فراز چهاردهم: والدینم را بهشتی کن! .....	۸۹
آثار نیکی به والدین در فرهنگ اسلامی .....	۸۹
* علت توفیقات حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) ...	۹۹
* فراز پانزدهم: شفاعت متقابل .....	۱۰۵
راه کارهای جبران کرامت‌های والدین .....	۱۰۶

راز تسخیر دل‌ها! .....	۴۱
روش‌های دوست‌یابی .....	۴۳
محبوب‌ترین رهبر آسمانی .....	۴۴
برگی از دفتر آفتاب .....	۴۶
منزلت والدین .....	۴۹
حقوق متقابل .....	۵۰
از منظر اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....	۵۱
* فراز اول: درود بر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و آلش .....	۵۲
نقش صلوات در جلب رحمت الهی .....	۵۲
آیات و روایات درباره صلوات .....	۵۳
اهمیت صلوات .....	۵۴
حقوق والدین .....	۵۶
* فراز دوم: در پرتو کرامت الهی .....	۵۶
کرامت پدر و مادر .....	۵۶
کرامت در قرآن .....	۵۷
* فراز سوم: وظیفه‌شناسی .....	۵۷
حق مادر .....	۵۸
حقوق پدر .....	۵۹
* فراز چهارم: برکت در زندگی .....	۵۹
عوامل برکت‌زا .....	۶۰
مهرورزی به والدین و آثار آن در جامعه .....	۶۴
* فراز پنجم: احساس شکوه والدین .....	۶۶
رمز موفقیت انسان‌های موفق .....	۶۷
* فراز ششم: خطاب نرم و دلپذیر .....	۶۹
مرا بابا صدا کن! .....	۷۰
* فراز هفتم: سپاس و قدردانی .....	۷۱
سعیدی و مادر پیر .....	۷۲
سپاس شیخ انصاری از مادر .....	۷۲
* فراز هشتم: آمرزش والدین .....	۷۴



قدر بدانید این دعا و توسل و تضرع و توجه و نورانیتی که  
از این راه حاصل می‌شود.»

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)  
در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه  
قم، در مدرسه فیضیه

### پیشگفتار

صحیفه سجادیه، به حق صحیفه دل‌های آسمانی است.  
کتابی که سطر سطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می‌باشد  
و واژه واژه آن در دل محبان، فروغ می‌نشانند.

صحیفه سجادیه، آهنگ پرطراوت هستی است، نغمه  
پرحلاوت نشاط است، زمزمه پرشور عاشقان و نوای  
دلنشین ساجدان است.

«توصیه من به شما عزیزان این است که باید اخلاق  
اسلامی را، هم بشناسیم، همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان  
ندارد؛ اما جوان‌ها بیشتر و بهترند و هم تحلی به حلیه  
اخلاق پیدا کنیم. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار  
خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن  
با بدی‌ها و زشتی‌های وجود خودش باشد. دعای شریف  
مکارم‌الاخلاق را، که دعای بیستم صحیفه سجادیه است،  
زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد علیه السلام در  
این دعا از خدا خواسته است، چیست. با دعاهای صحیفه  
سجادیه، با این داروهای شفابخشی که می‌تواند بیماری‌های  
اخلاقی ما را شفا بخشد و زخم‌های وجود ما را درمان کند،  
خودمان را آشنا کنیم.

### فصل اول

## پرتوی از زندگینامه امام سجاد علیه السلام



پیامبر گرامی اسلام ﷺ:

« اَنْتَ تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي ... كِتَابُ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي اَهْلُ بَيْتِي، وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا.»

من در بین شما دو چیز گرانتقدر را می‌گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک جویند، بعد از من، هرگز گمراه نمی‌شوید؛ کتاب خدا و عثرت من، خاندان من؛ و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنارحوض بر من وارد شوند. پس بنگرید که در نبود من (به جای من) چگونه با آنان رفتار می‌کنید.

#### مقدمه

خدای رحمان، جهان را آفرید تا مقدمه پیدایش انسان باشد و انسان را آفرید تا مسیر کمال را ببیند و از دستورات خداوند پیروی کند، تا به سعادت مطلق نایل آید و از آنجا که او موجودی اجتماعی است در رفتار با هم‌نوعان خود ناگزیر از آشنایی با راه و قانون خدا می‌باشد و شناخت راه، نیاز به راهنما دارد، زیرا از آنجا که ادراکات حسی و عقلی و تجربی انسان‌ها براساس محدودیت خاص خودشان است و پیوسته دچار اشتباه‌اند، نمی‌تواند اجتماع را به آن هدف والا رهنمود سازد، پس ناگزیر نیاز بشریت به راهنما، حتمی می‌شود تا آن دعوتی را که خدا از بشر کرده، طبق خواست خودش اجابت کرده باشد و در پرتو هدایت‌گری برگزیدگان، رنگ و بوی الهی به خود گرفته و به سوی رستگاری پیش برود.

راهنما وظیفه دارد امانت خدا را که بر دوش گرفته، آن‌گونه که شایسته است پیش ببرد و این ممکن نیست جز این‌که امین و معصوم باشد.

پس خدا برای سعادت دنیا و آخرت انسان، باید راهنما

بفرستد و این راهنما باید معصوم باشد و انتخاب شخص معصوم با خداست.

همچنین جانشین پیامبر ﷺ باید تمام صفات و ویژگی‌های پیامبر، جز وحی و تشریح، را دارا باشد و همانند او بری از خطا و گناه باشد تا بتواند ماموریت خویش را انجام دهد.

خداوند در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ...» ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است به مردم برسان و اگر این پیام را نرسانی رسالت او را انجام نداده‌ای.

این خطاب به رسول اکرم ﷺ با لحن خاص و تاکید جدی، نشان‌دهنده آن است که موضوع مهمی مطرح است و باید توجه مردم بر آن جلب گردد و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که این امر مهم، جز تعیین جانشین پیامبر و موضع‌گیری برای ادامه و به ثمر رسانیدن امر رسالت، چیز دیگری نبوده است. لذا با عنایت خدای سبحان به شرح حال مختصری از زندگی امام چهارم حضرت سجاد علی‌هم‌السلام می‌پردازیم.

امام سجاد، حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، چهارمین پیشوای شیعه و ششمین آفتاب عصمت است که در بحرانی‌ترین شرایط تاریخ اسلام عهده دار امر امامت گردید و قافله اهل ولایت را از ظلمات دوران حکومت بنی‌امیه به سلامت عبور داد و شیعه را از اضمحلال و نابودی مصون داشت.

در روزگاری که همه صداها خاموش شده بود و امویان دارهایی را که برافراشته بودند همچنان برپا نگاه داشته و بر تعداد آنها می‌افزودند و خون‌های مطهری را که ریخته بودند نمی‌شستند تا درس عبرتی باشد برای همه آنان که هنوز نفسی در سینه دارند و زمزمه‌ای زیر لب!

آری، امام سجاد علیهما السلام در چنین روزگاری قافله سالار راهیان

نور شد. وقتی نگذاشتند که در روشنایی روز، ندای حقیقت را بر فراز منبر جدش رسول الله ﷺ بازگوید، در دل شب با دعا و نیایش، عالی‌ترین رموز دینداری و حق‌جویی را به یارانش ابلاغ کرد. و با راز و نیازهای شبانه‌اش، صحیفه‌ای از معارف و رهنمودها و عبرت‌ها و درس‌ها تدارک دید و با سجده‌های طولانی، قیام‌ها را شکل بخشید.

او به راستی محراب نیایش را به میدان رویارویی با سیاست‌ها و تبلیغات و تعالیم امویان مبدل ساخت و از دعا که نرمترین شیوه گفتاری است حربه‌ای برنده علیه دشمنان دین و منکران ولایت پدید آورد.

او در مجلس یزید، ظالمانه‌ترین و بی‌رحم‌ترین دادگاه تاریخ، با چنان شهامت و شجاعتی از حریم شهیدان کربلا دفاع کرد که طنین سخنانش برای همیشه در گوش زمان باقی ماند.

امام سجاد علیهما السلام، در آن مجلس و نیز در بقیه عمر خویش به اثبات رسانید که در علم، حلم، بخشش، فصاحت، شجاعت و محبوبیت اجتماعی چونان اجداد ظاهرینش، سرآمد خلق است.

از آن پس هرگاه صدایش به نیایش بلند می‌شد، همه دردها و رنج‌هایی که از سوی غاصبان خلافت و دشمنان ولایت بر خاندان عصمت رفته بود، دوباره مجسم می‌گردید.

در نوای گرم دعاهایش پیام توحیدی رسول خدا ﷺ و صلابت امیرالمؤمنین علیهما السلام و رنج‌های حسن بن علی علیهما السلام و مظلومیت‌های حسین علیهما السلام، سالار شهیدان کربلا، موج می‌زد. در عصر حقوق پایمال شده انسانیت و شرافت و دیانت، رساله حقوق آن گرامی، مایه پند و درس‌آموزی همه آنان شد که تا همیشه تاریخ در اندیشه تدوین حقوق انسانند.

## آشنایی با سیمای امام سجاد علیه السلام

پدر حضرت علی بن الحسین امام چهارم علیه السلام، امام حسین علیه السلام سومین امام شیعیان جهان و مادرشان شهربانو است.<sup>۱</sup> امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ هجری قمری دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup>

دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری کرد، حدود دو سال از خلافت جدش امیرمؤمنان علیه السلام را درک نمود و پس از آن مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عمومی خویش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود.

پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ هجری، به مدت ۱۰ سال در دوران امامت پدرش امام حسین علیه السلام، که در اوج قدرت معاویه با او در ستیز و مبارزه بود، کنار او قرار داشت. همچنین در محرم سال ۶۱ هجری در جریان قیام و شهادت پدرش امام حسین علیه السلام در سرزمین کربلا حضور داشت.

پس از فاجعه کربلا که امامت به او رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی، به کوفه و شام برده شد و در این سفر تکیه گاه اسیران در کوران مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بود. ایشان در این سفر با سخنرانی‌های آتشین خود حکومت یزید را رسوا ساخت. پس از بازگشت از شام در شهر مدینه اقامت گزید تا آنکه در سال ۹۵ هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

## نام، کنیه و القاب حضرت سجاد علیه السلام

نام مبارک ایشان علی است.

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۶۷

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۶۶

کنیه آن حضرت ابوالحسن و ابومحمد است.

القاب مشهوره آن حضرت زین‌العابدین و سیدالساجدین، سیدالعابدین و...

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است: پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگز یاد نعمتی از خدا را نکرده مگر اینکه سجده کرد برای شکر آن نعمت و هرگز آیه‌ای از کتاب خدا را نخواند، مگر آنکه سجده کرد و هرگاه حق تعالی از او بدی را دفع می‌کرد که از او در بیم بود یا مکر مکرکننده‌ای را از او می‌گردانید سجده می‌کرد و هرگاه توفیق می‌یافت میان دو کس را اصلاح کند، برای شکر آن سجده می‌کرد و اثر سجده در جميع مواضع سجده آن حضرت بود، و به این سبب آن حضرت را سجاد می‌گفتند.

زهری از سفیان بن عُیینه پرسید: چرا ایشان را زین‌العابدین می‌گویید؟ گفت: شنیده‌ام از ابن عباس، که حضرت رسول فرمودند: در روز قیامت منادی ندا کند، کجاست زین‌العابدین، گویا می‌بینم فرزندم علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام در آن هنگام با تمام وقار و سکون صفوف اهل محشر را بشکافد و بیاید و در کشف الغمه است: سبب ملقب شدن آن حضرت به زین‌العابدین، آن است که شبی آن جناب در محراب عبادت به تهجد ایستاده بود، پس شیطان به صورت مار عظیمی ظاهر شد و پای حضرت را گزید به نحوی که حضرت ناراحت شد ولی توجه نکرد و پس از آنکه از نماز فارغ شد، فهمید که او شیطان است، پس فرمود: دور شو ای ملعون و باز متوجه عبادت خود شد. پس شنید که هاتقی سه مرتبه او را ندا کرد: أنت زین‌العابدین، تو زینت عبادت کندگان؛ پس این لقب ظاهر و در میان مردم مشهور گشت.<sup>۳</sup>

۳- منتهی الامال ص ۷۳۹ علل الشرايع ص ۳۳۰، باب ۱۶۵

بیشتر کسانی که این لقب‌ها را به حضرت داده‌اند، شیعه و محب حضرت نبودند؛ اما نمی‌توانستند آنچه را در او می‌بینند نادیده بگیرند، هر یک از این لقب‌ها نشان‌دهنده مرتبه‌ای از کمال نفس و درجه‌ای از ایمان و مرحله‌ای از تقوا و پایه‌ای از اخلاص است و بیان‌دارنده اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده این لقب‌ها است: سید عابدان، پیشوای زاهدان، مهتر پرهیزکاران، امام مؤمنان و... واقعا امام سجاد علیه السلام مظهر همه این صفات بودند.

## همسر امام زین‌العابدین علیه السلام

از جمع زنان صدر اسلام، شخصیت‌هایی وجود دارند که درخشش معنویتشان در سراسر تاریخ اسلام پرتو افکنده است. یکی از این فرزندان دختر امام مجتبی علیه السلام همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام است. این بانوی کریمه، فاطمه نام داشت که معنویت او در طول تاریخ اسلام نورافشانی کرده است، از خاندان پاک رسالت و عصمت است. و در شرافت و حیاء و عفت سرآمد زنان عصر خود بوده است.

این ریحانه امام حسن مجتبی علیه السلام صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است. به گونه‌ای که با اشاره دستش دیوار در حال ریزش بین زمین و آسمان معلق ماند. مقام والای او آن چنان است که تا مرز عصمت پیش رفته است و نسبتی این چنین شایسته دارد: دختر، همسر و مادر امام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و مقامشان نازل شده است. در خانه‌هایی زندگی می‌کرده که اهل آن، در عبادت، از برگزیدگان خلق بوده‌اند.<sup>۴</sup> و از جهتی این بانوی بزرگوار، مصداق «ارحام مطهره» است که در زیارت وارث وارد شده است.

۴- آیه ۳۶، سوره نور

**حاکمان هم عصر امام سجاد علیهما السلام**

زندگانی امام سجاد علیهما السلام با حکومت عده‌ای از حاکمان ستمگر اموی مقارن بود که عبارتند از:

- ۱- یزید بن معاویه (۶۰-۶۴ ه. ق)
- ۲- معاویه بن یزید (۶۴-۶۵)
- ۳- مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵)
- ۴- عبد الملک بن مروان (۶۵-۸۶)
- ۵- ولید بن عبد الملک (۸۶-۹۶)

آن حضرت، در ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری در سن ۵۶ سالگی در مدینه منوره، توسط هشام بن عبد الملک به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی علیهما السلام به خاک سپرده شد.

**دفاع فرهنگی در عصر استبداد**

پیشوای چهارم شیعیان بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت بخش عاشورای حسینی، از لحظه‌ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهم‌تر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین علیهما السلام که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیت‌های آن امام همام به شمار می‌آید. امام سجاد علیهما السلام در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می‌برد.

امام درباره وضعیت نابسامان عصر خود می‌فرماید: «روزگار ما در میان قوم خود، چون روزگار بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران را می‌کشند و دختران را زنده به گور می‌کردند.

۵- ارشاد شیخ مفید، همان، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، همان.

امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم به سبب ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما، بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرب می‌جویند.<sup>۶</sup>

در آن زمان که حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می‌شدند، امام سجاد علیهما السلام اتخاذ صحیح‌ترین تصمیم‌ها و موضعگیری‌های مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوه‌ها توانست از فرهنگ اسلام و دست‌آوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود، به صورت شایسته‌ای پاسداری نماید. در این فرصت با سیره و زندگی آن گرامی بیشتر آشنا می‌شویم.

**خطابه‌های حماسی و تأثیرگذار**

بدون تردید روشنگری‌های امام سجاد علیهما السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و برخی دیگر از خاندان حضرت اباعبدالله علیهما السلام بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است.

مهم‌ترین دست‌آورد سخنان آن بزرگوار آگاه نمودن مردم غفلت زده، بیدار کردن وجدان‌های خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت علیهم السلام، نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و معرفی آن گرامیان به عنوان جاننشینان بر حق پیامبر علیهما السلام بود. امام سجاد علیهما السلام در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی‌نگر، تأثیرپذیر و پیمان شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما برای پدرم نامه ننوشتید و آنگاه

۶- سیره پیشوایان، به نقل از ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰

بی‌وفایی نکردید؟! آیا با او عهدها و پیمان‌های محکم نبستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول الله ﷺ نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگوید: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید، پس، از امت من نیستید!

هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه‌کنان و ضجه‌زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگون‌بختی خود، - که خود برگزیده بودند - تاسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می‌ریختند.<sup>۷</sup> مهم‌ترین تأثیر این خطابه را می‌توان در سال ۶۵ هجری در قیام توابین به وضوح به نظاره نشست. همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیب متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره‌گیری از زیباترین و بلیغ‌ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد علیهم السلام را برای مردم ناآگاه شام نمایان ساخت.

آن حضرت فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، أُعْطِينَا سِتًّا وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ، أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاحَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشُّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَفُضِّلْنَا بِأَنَّ مَنَا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا، وَمَنَا الصِّدِّيقَ، وَمَنَا الطَّيَّارَ، وَمَنَا أَسَدُ اللَّهِ وَأَسَدُ رَسُولِهِ، وَمَنَا سَبِيطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛<sup>۸</sup>

[بر دیگران] برتری یافته‌ایم. به ما علم، حلم، جوانمردی،

۷- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲.

۸- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ و ۱۷۴؛ معالی

السطین، ج ۲، ص ۱۷۸

فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد ﷺ و امیرالمومنین نخستین تصدیق کننده پیامبر ﷺ و جعفر طیار و [حمزه،] شیر خدا و رسول او و حسن و حسین ﷺ و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده ایم.

آن حضرت در ادامه به فضائل بی شمار امیرمؤمنان ﷺ پرداخته و از چهره درخشان علی ﷺ به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین ﷺ به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت. این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شکست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد.<sup>۹</sup>

امام سجاد ﷺ خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته دل و دل شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یکسال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی امیه رخ نمود که به (واقعه حره) معروف است.

### گفتگوهای دشمن شکن

امام چهارم ﷺ در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می کرد دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخ های کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز برمی خواسست که بارزترین نمونه های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری ﷺ وی را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام

زین العابدین ﷺ گذشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین ﷺ است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم ﷺ فرمود: من برادری به نام علی بن الحسین داشتم که مردم او را به شهادت رساندند. ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد ﷺ آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ...» را قرائت نمود. ابن زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرأت کرده و پاسخ می دهی؟ او را برید و گردن بزید. حضرت سجاد ﷺ در ادامه گفتگو فرمود: أَبَا الْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي يَا ابْنَ زَيْدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ؛<sup>۱۰</sup> ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و شهادت برای خدا عزت و کرامت ماست.

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچگاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت.

آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر و شکستن ابهت و عظمت خاندان آل محمد ﷺ حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد ﷺ گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزد گفت: أَنْتَ ابْنُ الَّذِي قَتَلَهُ اللَّهُ؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.

امام فرمود: أَنَا عَلِيٌّ، ابْنُ مَنْ قَتَلْتَهُ، من علی، فرزند کسی هستم که تو او را به شهادت رساندی. همچنین امام در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا

فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛<sup>۱۱</sup> و هرکس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می ماند، خداوند بر او غضب می کند و از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.

یزید که نتوانست این پاسخ های محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد ﷺ با قاطعیت تمام فرمود: هیچگاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی تواند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند.<sup>۱۲</sup>

### اشک های مؤثر

امام سجاد ﷺ برای زنده نگه داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبت های گوناگون بر عزیزانش گریه می کرد. اشک های حضرت زین العابدین ﷺ که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را ترسیم می کرد، آثار پربراری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تاثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیون ها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت ابا عبدالله ﷺ مهم ترین عامل محسوب می شود. عشق به امام حسین ﷺ در سوگواری ها اشک می آفریند و این گریه های عزت بخش که افتخار شیعه می باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین ﷺ را



در خاطره‌ها زنده می‌سازد. حضرت سجاد علیه السلام بنیانگذار فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود ۳۵ سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از گریه‌کنندگان پنجگانه تاریخ نامیده شد.<sup>۱۲</sup> وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می‌پرسیدند در جواب می‌فرمود: مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و ۱۷ تن از خانواده‌ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه‌ام کم شود؟<sup>۱۴</sup>

**حمایت معنوی از قیام‌های طاغوت‌ستیز**

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و شجاعت و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان با الهام از جنبش شورآفرین و حماسه‌ساز امام حسین علیه السلام با تأثیرپذیری از خطابه‌های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب علیها السلام روحیه اسلام‌خواهی و طاغوت‌ستیزی خود را در قالب قیام‌های مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست‌به‌شورش‌هایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند.

شاخص‌ترین این جنبش‌ها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نام‌های قیام توابین، قیام مختار و

۱۲- امالی صدوق، ص ۱۴۰.

۱۴- لهوف سید بن طاووس، ص ۳۸۰.

قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت اباعبدالله علیه السلام غیرت دینی، اسلام‌خواهی و در نهایت محبت شدید به اهل بیت علیهم السلام را در شعارها و خواسته‌های خود نشان می‌دادند.

امام سجاد علیه السلام گرچه در ظاهر - به علت خفقان شدید و استبداد حاکم - در این قیام‌ها نقشی نداشت و در حالت تقیه به سر می‌برد، اما در واقع از رهبران اینها اعلام رضایت کرده و عملاً آنها را تایید می‌نمود. به عنوان نمونه هنگامی که عده‌ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام به نزد محمد حنفیه آمدند و اظهار داشتند: مختار در کوفه قیام کرده و ما را نیز به همیاری و همکاری فراخوانده است، اما نمی‌دانیم که آیا او مورد تایید اهل بیت علیهم السلام هست یا نه؟ محمد حنفیه گفت: برخیزید به نزد امام من و امام شما، حضرت سجاد علیه السلام رفته و کسب تکلیف نماییم. هنگامی که موضوع را به عرض امام علیه السلام رساندند، آن حضرت فرمود: ای عمو! اگر غلامی به خونخواهی ما مردم را دعوت به قیام کند، بر همه مردم واجب است که او را یاری دهند و من تو را در این کار نماینده خود قرار می‌دهم، هر کاری در این زمینه صلاح می‌دانی انجام ده. آنان به همراه محمد حنفیه از نزد امام خارج شدند، در حالیکه سخنان امام را شنیده بودند و می‌گفتند: امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده‌اند.<sup>۱۵</sup>

**نیایش‌های عارفانه و بیدارگر**

از بهترین روش‌های امام سجاد علیه السلام برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان‌شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایش‌های عرفانی و روشنگر

۱۵- ذوب النصار، ص ۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

می‌باشد. دعا‌های حضرت سجاد علیه السلام که در مجموعه‌های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسۀ عشر، دعای ابوحمزه ثمالی، نیایش‌های روزانه و... گرد آمده است، دل هر شنونده عارف و اندیشمندی را می‌لرزاند و توجه به معانی بلند و با شکوه آن، تشنگان وادی کمال و معرفت را سیراب می‌سازد. در لابه‌لای این عبارات وحی گونه، - گذشته از اینکه مملو از حقایق و معارف حیات‌بخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و آدمی را با توجه دادن به شگفتی‌های آفرینش، با خالق هستی مرتبط ساخته و به روح و جانش صفا می‌بخشد - فلسفه قیام حسینی تبیین می‌گردد و انسان نیایشگر ناخواسته از حالت انزوا و خمودی به صحنه مبارزه با طاغوت و ستمگران سوق داده شده و راه عزت حقیقی به وی نشان داده می‌شود.

در حقیقت آمیزش عرفان و حماسه یکی از بارزترین جلوه‌های معنوی فرهنگ عاشورا است، همچنانکه سید بن طاووس در مورد عرفان و معنویت عاشورائیان می‌نویسد: در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام یارانش آنچنان به عبادت و مناجات مشغول بودند که زمزمه‌های عاشقانه آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش هر شنونده‌ای می‌رسید. برخی در حال رکوع و عده‌ای در حال سجده و یا در قیام و قعود بودند.<sup>۱۶</sup>

این نیایشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن روز آنچنان جانبازی کرده و حماسه آفریدند که اهل آسمان و زمین را به تحیر واداشتند. امام سجاد علیه السلام میراث‌دار این قافله حماسه و عرفان و عشق بود که برای احیا و پاسداری از آن، در مقابل شیطان و شیطان صفتان جبهه‌ای باطنی گشود و ارتباط حقیقی با آفریدگار جهان را به عنوان یکی از علل و عوامل قیام عاشورا برای تمام انسان‌های خداجو

۱۶- لهوف، ابن طاووس، ص ۱۷۲.

و حقیقت طلب عرضه نمود و از این طریق عزت واقعی را به آنان شناساند که « **إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا** »؛<sup>۱۷</sup> به درستی که همه عزت از آن خداوند است.

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه به تبیین جایگاه امامان شیعه و مظلومیت آنان پرداخته و عرض می‌کند: « **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِحُلْفَانِكَ وَ أَصْفِيَانِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَاتِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا** »؛ بارالها! این مقام [امامت] شایسته جانشینان و برگزیدگان و امنای تو در درجات بلندی است که خودت آنان را به آن اختصاص داده‌ای [و غاصبان] آن را به غارت برده‌اند.

آن حضرت در فرازی از مناجات محبین به عاشقان عارف و حقیقت طلب چنین می‌آموزد: **اللّٰهُمَّ مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغَى عَنكَ حَوْلًا إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لُؤْدُكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوَّقْتَهُ إِلَيَّ لِقَائِكَ**<sup>۱۸</sup> خداوند! کیست که شیرینی محبتت را چشیده باشد و بجای تو دوستی دیگران را برگزیده باشد، و کیست که به مقام قرب تو مانوس شده و [بعد از آن] لحظه‌ای از تو روی گردانیده باشد؟! بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و دوستی خودت برگزیده‌ای و آنان را برای مهر و محبت خود خالص گردانیدی و آنان را برای ملاقات خود شائق ساختی.

مهم‌ترین نکته‌ای که در نیایش‌های امام جالب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام و یاران آنان در راس برنامه‌های حکومت اموی بوده است و حتی لعن حضرت علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان

۱۷ - یونس/ ۶۵.

۱۸ - مفاتیح الجنان، مناجات نهم.

دقت است. همچنین نمایاندن عظمت اهل بیت علیهم السلام، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین ایشان به شمار می‌آید.

### نظریه‌های علمی در صحیفه سجادیه

از همه مهمتر اشاره امام سجاد علیه السلام در بین همین دعاها به مهمترین حقایق و نظریه‌های علمی است که دانشمندان برجسته جهان بعد از قرن‌ها آن را کشف کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به وجود میکروب و با در آب اشاره کرد که امام سجاد علیه السلام قرن‌ها قبل از دانشمندان اروپائی آن را اعلام کرده است. امام در مناجات ۲۷ صحیفه سجادیه که در مورد مرزداران اسلامی دعا می‌کند، به دشمنان اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: **اللَّهُمَّ وَ أَمْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ أَطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ**<sup>۱۹</sup>؛ خدایا، آب‌هایشان را به وبا بیالای و خوراک‌هایشان به دردها بیامیز!

### حکومت معنوی در عصر خفگان

از مهم‌ترین رازهای توفیق پیشوایان معصوم علیهم السلام در طول حیات و بعد از شهادت آن بزرگواران، جایگاه معنوی و شخصیت والایشان در قلوب انسان‌های مشتاق فضائل و کمالات بوده است. از آنجاکه حضرات معصومین علیهم السلام هرکدام در عصر خویش به عنوان اسوه کامل انسانیت و بارزترین نمونه کمالات و صفات انسانی بوده‌اند و عموم مردم فطرتاً چنین صفاتی را دوست دارند؛ به این جهت، به امامان معصوم علیهم السلام به دیده محبت و عشق می‌نگریسته‌اند. حتی دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت انکارناپذیر، بارها زبان به ستایش پیشوایان معصوم گشوده

۱۹ - صحیفه سجادیه، دعای ۲۷ فراز ۱۲.

و مناقب و افتخارات آنان را به دیگران یادآور شده‌اند. مروری کوتاه بر جایگاه معنوی حضرت زین العابدین علیه السلام در جامعه آن عصر این حقیقت را بیشتر می‌نمایاند و برخی از علل محبوبیت آن پیشوای راستین خلق در دل‌های مشتاق را روشن می‌کند.

امید است ما نیز با پرورش محبت روزافزون آن امام همام، دل‌هایمان را از زنگار جهل و خرافه‌ها زدوده و در پرتو دوستی اهل بیت علیهم السلام گام‌های سعادت‌آفرین به سوی کمال برداریم.<sup>۲۰</sup> ان‌شاءالله

### کارآمدترین شیوه تربیتی

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده «عفو، گذشت و جوانمردی» بود. در این راستا امام سجاد علیه السلام از یک شیوه کارآمد و پسندیده تربیتی بهره می‌گرفت. امام صادق علیه السلام فرمود: در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین علیهم السلام در مورد غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت را به کار می‌گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان

۲۰ - ناگفته نماند که مقصود ائمه اطهار علیهم السلام جلب رضایت مخلوق در مقابل سخط و خشم خالق نبوده است؛ زیرا:

الف) ساختار شخصیت آن بزرگواران و رفتار و کردارهای پسندیدشان طبیعتاً با فطرت مردم سازگار بوده و انسان‌های پاک‌فطرت و عموم مردم عادی به دیده محبت و احترام به آنان می‌نگریستند. ب) چون امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت مردم و پیشبرد مقاصد الهی خود به مقبولیت اجتماعی نیاز داشتند تا آنجا که اهداف الهی و اصول مسلم اسلام اجازه می‌داد، سعی می‌کردند افکار عمومی و رضایت مردم را در راستای ارزش‌های معنوی جلب کرده و آنان را در مقابل اهل باطل بسیج نمایند. چنان که بارها از این نیروی عظیم بر ضدّ ستیزگران و زورگویان بهره می‌بردند. البته هرگاه هم که مردم آن بزرگواران را همراهی نمی‌کردند، ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال اهداف الهی خود می‌رفتند و از مردم زمانه خود که جانب باطل را انتخاب کرده بودند، فاصله می‌گرفتند.

و کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد.

جوانمرد باشی دو گیتی تو راست  
دو گیتی بود بر جوانمرد راست

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلّفات هرکس را با نام و موضوع تخلّف مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، برایشان یادآور می‌شد و به تک تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلّفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟! فرد خطاکار هم می‌گفت: بلی، ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند.

آنگاه به آنان می‌فرمود: با صدای بلند به من بگویید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته‌ای؛ نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی‌کند، و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام اعمال را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، همچنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان طور که دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و

حسابگری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفوکن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد. چنان که خودش در قرآن می‌فرماید:

« وَلْيَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا إِلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ »؛<sup>۲۱</sup> باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان باهم تکرار می‌کردند و خود امام علیه السلام که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست و بالحنی ملتسانه می‌گفت: « رَبِّ! أَنْكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُوَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا فَنَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَنَا، فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمُأْمُرِينَ »؛<sup>۲۲</sup> پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، درگذشتیم، توهم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری.»

پس از این برنامه عرفانی و تربیتی، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمتگزاران خویش می‌فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه‌ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌ام، ببخشید؟!<sup>۲۳</sup>

همگی یک‌صدا می‌گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده‌ایم، تو را ببخشیدیم. آنگاه به آنان می‌فرمود: بگویید: خداوندا! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می‌کردند و امام چهارم علیه السلام آمین می‌گفت و در پایان می‌فرمود: بروید! من همه شما را

۲۱- سوره نور، آیه ۲۲.

۲۲- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

عفو کردم و آزادتان می‌کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند.

### تربیت انسان‌های صالح

حضرت زین‌العابدین علیه السلام در روز عید فطر آنقدر به خدمتگزاران خود جایزه و هدیه می‌بخشید که از دیگران بی‌نیاز می‌شدند. سیره امام سجاد علیه السلام چنان بود که هرگاه بنده‌ای را در اوّل سال یا وسط سال مالک می‌شد، بعد از یک دوره آموزش و اعمال شیوه‌های تربیتی صحیح، در شب عید فطر آزادش می‌کرد. آن بزرگوار بندگان سیاه را که هیچ گونه نیازی به آنان نداشت، می‌خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همراه هدایای قابل توجهی آزادشان می‌ساخت.<sup>۲۴</sup> و به این ترتیب امام، بردگان را نه تنها در بُعد جسمانی بلکه از افکار و اندیشه‌های خرافی، جهل و غفلت رها می‌ساخت. لذا تربیت یافتگان مکتب حضرت علی‌بن‌الحسین علیه السلام از ذلّت غفلت و خرافه‌پرستی به اوج عزّت معنوی و عرفانی نائل می‌شدند. و بیچاره‌ترین بردگان عصر آن حضرت در اثر ارتباط با درگاه امامت، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی و عالمان ربّانی مبدّل می‌گشتند. سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابواسحاق بن عبدالله سبعی، سالم بن ابی حفصه، شریحیل بن سعد، عبدالله بن دینار، ابوخالد کابلی، محمد بن شهاب زهری، معروف بن خربوذ مکی، یحیی بن امّ طویل، حبابه والیه و...<sup>۲۵</sup> از جمله تربیت یافتگان مکتب حضرت سجاد علیه السلام می‌باشند.

۲۴- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲۵- رجال الشیخ، اصحاب علی بن الحسین علیه السلام.

### یاران و شاگردان حضرت امام زین العابدین علیه السلام

شیخ طوسی در حدود ۱۷۰ نفر از یاران و شاگردان آن حضرت را فهرست کرده است که بیشتر آنان از امام سجاد علیه السلام بهره‌های علمی برده و روایت نقل کرده‌اند. در اینجا به چند تن از چهره‌های معروف آنان اشاره می‌کنیم:

۱- ابوحمزه ثمالی: وی رهبری شیعیان کوفه را به عهده داشت و در علم حدیث و تفسیر به مراتب عالی دست‌یافته و مورد علاقه و اعتماد امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته بود. ابوحمزه از جمله یاران نزدیک امام بود که امام سجاد علیه السلام برای اولین بار قبر امام علی را - که تا آن زمان نامعلوم بود - به وی شناساند و او به همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت حضرت علی علیه السلام می‌رفت. تفسیر قرآن، کتاب نوادر، کتاب زهد، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، دعای سحرماه رمضان امام سجاد علیه السلام که معروف به ابوحمزه ثمالی از جمله آثار این شایسته‌ترین شاگرد مکتب امام چهارم علیه السلام می‌باشد.

۲- یحیی بن ام طویل مطعمی: وی از شاگردان نزدیک امام چهارم علیه السلام بود و با شهامت و جرأت تمام، طرفداری خود را از اهل بیت علیهم السلام و دشمنی‌اش را با ستمگران عصر علنی کرده و بدون واهمه ابراز می‌داشت. او وارد مسجد پیامبر شده و با کمال شجاعت، در میان مردم حاضر، خطاب به زمامداران مستبد و خودخواه می‌گفت: ما مخالف شما و منکر راه و روش شما هستیم، میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است.<sup>۲۵</sup> گاهی در میدان بزرگ کوفه ایستاده و با صدای رسا می‌گفت: هر کس علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان بیزار هستیم.

۳- محمد بن مسلم بن شهاب زُهری: وی که در ابتدا

۲۵ - معجم رجال‌الحدیث، ج ۲۱، ص ۳۸.

از علمای اهل سنت بود، در اثر معاشرت با امام چهارم و بهره‌های شایان علمی که از آن حضرت می‌برد، به حضرت سجاد علیه السلام علاقه شدیدی پیدا کرد و از آن حضرت همیشه با لقب زین‌العابدین علیه السلام یاد می‌کرد. امام چهارم نیز از این ارتباط استفاده کرده و در مناسبت‌های مختلف او را از یاری رساندن به ستمگران بر حذر می‌داشت و در نامه مفصلی، عواقب ارتباط و تمایل به زمامداران ستم پیشه را به وی گوشزد نمود. او از افرادی است که بیشترین بهره را از امام چهارم برده است. روزی زهری به حضور حضرت رسید، امام وی را افسرده و اندوهگین دیده و علت را پرسید. زهری گفت: ای پسر پیامبر! اندوه من از سوی برخی مردم بویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها برخلاف انتظار من به من حسد ورزیده و چشم طمع به اموالم دوخته‌اند.

امام چهارم در ضمن ارائه رهنمودهای راه‌گشایی، به وی فرمود: «أَحْفَظْ عَلَیْكَ لِسَانَكَ تَمَلِّكَ بِهِ إِخْوَانَكَ؛ اگر از زبانت مواظبت کنی همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود.» آنگاه حضرت افزود: زهری! کسی که عقلش کامل‌ترین اعضا و وجودش نباشد، با کوچک‌ترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود.»

پیشوای چهارم ضمن اشاره به مهم‌ترین رمز توفیق در زندگی فرمود: اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سر زده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام.

هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این اندیشه عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و

دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکی‌های دیگران تو را خوشحال می‌کند و از بدی و اذیت‌های آنان آزاده نخواهی شد.<sup>۲۶</sup>

ابان بن تغلب، بشر بن غالب اسدی، جابر بن عبدالله انصاری، حسن بن محمد بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین علیه السلام، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس هلالی، ابو الاسود دؤلی، فرزندق شاعر، منهل بن عمرو اسدی، حبابه و... از جمله معروف‌ترین شاگردان و یاران امام سجاد علیه السلام محسوب می‌شوند که در تداوم نهضت کربلا و رساندن پیام امام به نسل‌های آینده نقش مهمی داشته‌اند.

همچنین حضرت زین‌العابدین علیه السلام گرامی داشتن شعرای متعهد، از آنان به عنوان زبان گویای اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد. کمیت‌بن زیاد اسدی و فرزندق شاعر از جمله آنان می‌باشند.

### محبوبیت حضرت سجاد علیه السلام از منظر دیگران

این شیوه خداپسندانه امام چهارم علیه السلام موجب شد که دوست و دشمن، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست بدانند. آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، رهین کردارهای انسانی و کمالات الهی‌اش بود تا آنجایی که خلفای بنی امیه نیز به آن اعتراف می‌کردند. ابن شهر آشوب می‌گوید: امام سجاد علیه السلام در نزد عمر بن عبدالعزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت؛ هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شده و بیرون رفت، عمر بن عبدالعزیز رو به اطرافیانش کرده و گفت: بهترین و شریف‌ترین مردم به نظر شما امروزه کیست؟ همه گفتند: شما ای خلیفه! او گفت: نه، هرگز! بهترین و شریف‌ترین مردم همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت! او

۲۶ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۶.

چنان قلب‌ها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند اما او هیچگاه آرزو نمی‌کند که به جای یکی از ماها باشد.<sup>۲۷</sup>

### نفوذ صحیفه سجادیه در قلب اروپا

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران  
 پروفیسور آنه ماری شیمیل آلمانی<sup>۲۸</sup> خاورشناس، اسلام‌پژوه و مستشرق مشهور آلمانی و استاد دانشگاه هاروارد آمریکا بعد از آنکه با کمال انصاف در مقابل معارف اهل بیت علیهم‌السلام متواضعانه سر تسلیم فرود آورده بویژه صحیفه سجادیه را شناخته و تصمیم گرفته آنرا برای مخاطبین خود شرح کند، در مصاحبه‌ای می‌گوید: من همواره دعاها را از اصل عربی می‌خوانم و به هیچ ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. البته بخش‌هایی از صحیفه سجادیه را به زبان آلمانی ترجمه کرده‌ام. وقتی

۲۷ - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۷

۲۸ - پروفیسور آنه ماری شیمیل آلمانی در اکتبر سال ۱۹۴۱، رساله دکترای خودش بر روی موضوع « مصر در اواخر دوران قرون وسطی » را به آنها رسانید، و با آنکه هنوز ۱۹ سال بیشتر نداشت، موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه برلین شد. او، همچنین، دکترای دوم خود را در سال ۱۹۵۱ در حوزه تاریخ ادیان و با رساله‌ای پیرامون « عشق عرفانی در اسلام » دریافت نمود. پروفیسور فقید، آنه ماری شیمیل، علاوه بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی که کتاب‌ها و مقالات خود را بیشتر به این دو زبان نوشته است به زبان‌های فرانسه، فارسی، عربی، ترکی، اردو، سندی و بنگالی نیز احاطه داشت و آثار وی نشان می‌دهد که وی به کمال سهولت می‌توانسته متون قدیم و جدید را به این زبان‌ها، خاصه فارسی و عربی، بخواند و در آثاری که به این زبان‌ها نوشته شده به تحقیق بپردازد و حتی از آن‌ها به انگلیسی و آلمانی ترجمه کند. از نکات جالب‌درباره این بانوی دانشمند آنکه او گاهی آثار خود را از آلمانی به انگلیسی و یا برعکس ترجمه می‌کرده است. آنه ماری شیمیل یکی از معدود مستشرقانی است که به معارف اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام دیده انصاف نگریسته است. تالیف یکصد کتاب تحقیقی، چهارده مدال علمی و هفت دکترای افتخاری از جمله نتایج زحمات این بانوی دانشمند است.

مشغول برگرداندن این دعاها به زبان مذکور بودم، مادرم به دلیل کسالت در بیمارستانی بستری بود و من مدام به او سر می‌زدم و کاملاً در جریان احوالش بودم. پس از اینکه او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از اتاق مشغول پاک‌نویس نمودن ترجمه‌ها می‌شدم. اضافه کنم که اتاق مادرم دو تختی بود و در تخت دیگر خانمی مسیحی که عقاید کاتولیکی محکم و راسخ و در عین حال متعصبانه داشت، بستری بود. او از روی ایمانی که به مذهب خویش داشت، وقتی متوجه شد من مشغول ترجمه دعاها می‌باشم از یک متن اسلامی هستم، آزرده خاطر گردید و با ناگواری و نگرانی گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان از نظر ادعیه کمبودی داریم که تو اکنون به دعاها می‌مانان روی آورده‌ای؟! جوابی به وی ندادم اما وقتی کتابم چاپ شد، نسخه‌ای از آن را برایش فرستادم. مدتی بعد با من از طریق تلفن تماس گرفت و خاطر نشان ساخت: «بشمار صمیمانه از این هدیه جالب متشکرم، زیرا هر روز به چای دعاها انجیل آن را می‌خوانم!

آری واقعا ترجمه معارف اهل بیت علیهم‌السلام مخصوصاً صحیفه سجادیه می‌تواند تا این حد در میان غربی‌ها تحول آفرین و کارساز باشد.<sup>۲۹</sup>

این بانوی دانشمند و ادیب و نابغه مشهور آلمانی وصیت کرد روی قبرش کلامی از امیرالمومنین علیه‌السلام بنویسند.

تصویر سنگ قبر آنه ماری شیمیل که در آن حدیثی از علی بن ابی طالب علیه‌السلام نقش بسته است: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»؛ مردم خوابند؛ وقتی می‌میرند بیدار خواهند شد.

### اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت

کلمات امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه نه تنها از نگاه

۲۹ - آن ماری شیمیل بانوی شرق شناس جهان غرب، ماهنامه از دیگران، سال دوم، ش ۵، مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۰ و ۱۱

معرفتی و عرفانی منبعی سرشار و متصل به عالم علوی است بلکه از نگاه بلاغت بیان و برتری گفتار حدی است که: سخنوران ساحر و فصیحان و ادیبان سحرانگیز در برابر آن سر تعظیم فرود آورده‌اند، تا حدی که به آن لقب انجیل اهل بیت و زبور آل محمد و اخْتِ الْقُرْآن داده‌اند.<sup>۳۰</sup>

نوزدهم ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رضوان الله علیه) نامه‌ای را به همراه یک نسخه از صحیفه سجادیه امام سجاد علیه‌السلام یکی از علماء اهل سنت مصر بنام علامه جوهری طنطاوی صاحب تفسیر معروف و مفتی اسکندریه می‌فرستد وی پس از دریافت این هدیه و نامه آیت الله مرعشی چنین می‌نویسد:

حضرت استاد علامه سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی، نَسَبَه خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، که نجدا او را محفوظ دارد؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! نامه گرامی مدتی پیش به ضمیمه کتاب صحیفه از کلمات امام زاهد اسلام: علی زین العابدین بن امام حسین شهید، ریحانه مصطفی رسید. کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود. حَقاً که از بدبختی است که ما تاکنون به این اثر گرانبهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته‌ایم. من هر چه در آن مطالعه و دقت می‌کنم می‌بینم که آن بالاتر از کلام مخلوق و دون کلام خالق است.<sup>۳۱</sup> راستی چه کتاب کریمی است! خدای شما را در برابر این هدیه بهترین پاداش بخشد و به نشر علم و

۳۰ - امام شناسی، حسینی، تهرانی، ج ۱۵، ص: ۴۶۰

۳۱ - وَ مِنَ الشُّعَاءِ أَنَا إِلَى الْآنَ لَمْ تَقَفْ عَلَي هَذَا الْأَثَرِ الْقِيمِ الْبَالِدِ مِنْ مَوَارِيثِ النَّبَوَّةِ وَ أَهْلِ النَّبِيَّةِ. وَ إِنِّي كَلَّمَا تَأَمَّلْتُهَا رَأَيْتُهَا فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ

هدایت موقف و مؤید بدارد. و شما سزوار این کارید. دیگر آنکه آیا کسی از علمای اسلام این کتاب را شرح کرده؟! و آیا چیزی از آن شروح نزد شما یافت می‌شود یا نه؟! در پایان دوام شما را از کرم خدای تعالی امید دارم.

آیت‌الله مرعشی در پاسخ به نامه علامه طنطاوی تعدادی از شروح صحیفه سجادیه را نام برده و به همراه آن کتاب «ریاض السالکین» و برخی کتب دیگر را برای وی ارسال می‌دارد که این بار نیز علامه طنطاوی از این نامه خوشحال شده، می‌نویسد:

حضرت علامه استاد حجّت بارع و نقیب اشراف و نسابه خاندان رسول خدا ﷺ سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی دامت ائمه. سلام و رحمت خدا بر شما باد! نامه شریف به ضمیمه کتاب «ریاض السالکین» در شرح صحیفه امام زین العابدین علی بن الحسین السبط، تألیف علامه سید علی بن معصوم مدّنی و صاحب کتاب «سلافة العصر» و کتاب‌های دیگر، که در باب خود از کتب بی نظیر بود رسید، و من آن را به دانشمند فاضل سید محمد حسن اعظمی هندی منشی کلّ جماعت اخوت اسلامی تسلیم کردم و او آن را به عنوان هدیه شما به من و هدیه من به جمعیت، در کتابخانه جمعیت گذاشته، تا نفعش دائم تر و شامل تر و عمومی تر باشد. و جمعیت اخوت اسلامی خوشوقت خواهد شد که از کتبی که در کشور شما یافت می‌شود برایش بفرستید، زیرا این جمعیت از همه مذاهب اسلامی تشکیل شده و من به حول و قوه خدای تعالی آماده و مجهّز که انشاءالله شرحی بر این صحیفه گرامی بنویسم. در پایان تحیات و سلامم را بپذیرید! مخلص، طنطاوی جوهری.<sup>۳۲</sup>

۳۲- جریان این نامه نگاری در مقدمه کتاب «صحیفه سجادیه» با مقدمه آیه الله مرعشی طبع سنه ۱۳۶۹، هجریه قمریه و ترجمه دانشمند شهیر آقای سید صدر الدین

### زیباترین شیوه معاشرت

در اینجا به برخی از رفتارهای پسندیده امام سجاد علیه السلام که در جذب قلوب و صید دل‌های مردم تأثیر فراوان داشته است، اشاره می‌کنیم:

### پناه بی پناهان

زمخسری نقل کرده است: هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود مسرف بن عقبه را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه پرداختند. حضرت زین العابدین علیه السلام چهارصد نفر از بانوان بی پناه را پناه داد و آن حضرت در کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی نمود. هنگامی که لشکر مسلم بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: به خدا قسم! در کنار پدر و مادرمان این چنین زندگانی خوش و آرامش روحی و روانی نداشته‌ایم که در سایه عطوفت و محبت این مرد شریف (حضرت سجاد در این مدت بحرانی این چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم.<sup>۳۳</sup>

### خدمتگزار ناشناس

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت سجاد علیه السلام هرگاه مسافرت می‌رفت، سعی می‌کرد با کاروانی سفر کند که او را نشناسند و شرط می‌کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی‌شناسیم. آن مرد گفت: این

بلاغی، از نشریات دار الکتب الاسلامیه شیخ محمد آخوندی، ص ۳۷ و ص ۳۸، ۳۳- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸.

شخص حضرت علی بن الحسین علیه السلام است! اهل کاروان که این جمله را شنیده و امام را شناختند، یکدفعه از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! آیا می‌خواهی ما را آتش جهنم فراگیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطائی سر می‌زد و به شما جسارتی می‌کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی‌شدیم؟! چه انگیزه‌ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟

امام سجاد علیه السلام فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا ﷺ بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطوفت و مهربانی نارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبادا شما نیز بیش از حدّ بر من احترام کنید. و ناشناس بودن را بهتر می‌پسندم.»<sup>۳۴</sup>

بی‌تردید این سیره پسندیده حضرت سجاد علیه السلام برگرفته از کلام حضرت خاتم الانبیاء ﷺ می‌باشد که فرمود: «مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كَرْبَةً»<sup>۳۵</sup> هرکس به یک مؤمن مسافر یاری و خدمت نماید، خداوند متعال هفتاد و سه بلا و اندوه را از او زایل خواهد کرد.»

### راز تسخیر دل‌ها!

امام علی علیه السلام همواره این آیه شریفه را مد نظر داشت که: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۳۶</sup> و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع

۳۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۳۵- همان، ص ۴۲۹.

۳۶- فصلت / ۲۴

کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد.»

آن وجود گرامی با عمل به این آیه دل‌های مستعد کمال را تسخیر می‌کرد. علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: روزی امام سجاد علیه السلام از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، به حضرت زین العابدین علیه السلام جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام علیه السلام خواستند که آن شخص را تأدیبش کنند. اما حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنگاه به او نزدیک شده و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی! سپس با مهربانی و عطف تمام فرمود: **اَلْكَ حَاجَةٌ تُعِينُكَ عَلَيْهَا**؛ آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟!

مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید. اما امام چهارم علیه السلام او را نوازش کرده و عباى ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. بعد از آن واقعه، آن مرد شدیداً به امام علاقه‌مند گردید و در هر کجا که می‌رسید، به بیان فضائل و مناقب آن حضرت می‌پرداخت و خطاب به حضرتش می‌گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی.<sup>۳۷</sup>

این رفتارهای آموزنده و انسانی موجب شده بود که مخالف و موافق، آن حضرت را از اعماق وجودشان دوست بدارند و به شخصیت والای امام سجاد علیه السلام دیده احترام و عظمت بنگرند.

۳۷- کشف الغم، ج ۲، ص ۱۰۱.

### روش‌های دوست‌یابی

محمد بن مسلم بن شهاب زهری<sup>۳۸</sup> روزی با حالتی افسرده و اندوهگین به حضور امام سجاد علیه السلام آمد. وقتی امام علت ناراحتی وی را پرسید، گفت: اندوه من از سوی برخی مردم به ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها برخلاف انتظارم به من حسد ورزیده و چشم طمع در اموالم دوخته‌اند.

امام چهارم علیه السلام رهنمودهای راهگشایی به وی ارائه فرموده و سپس افزود: **« اِحْفَظْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ تَمَلِّكَ بِهٖ اِخْوَانِكَ**؛ اگر از زبانت مواظبت کنی، همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود [و تو را دوست خواهند داشت].»

سپس فرمود: «زهری! کسی که عقلش کامل‌ترین اعضا وجودش نباشد، با کوچک‌ترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود.»

حضرت سجاد علیه السلام مهم‌ترین رمز توفیق در زندگی را، تواضع و احترام به دیگران دانسته و می‌فرماید: «اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و مقامت را بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگواری که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سرزده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام. هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این تفکر عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکی‌های دیگران تو را خوشحال می‌کند و از بدی

۳۸- وی ابتدا از علمای اهل سنت بود اما در اثر معاشرت با امام چهارم علیه السلام و نیل به بهره‌های شایان علمی و انسانی از محضر امام علیه السلام به آن حضرت علاقه شدیدی پیدا کرد و از امام همیشه با لقب «زین‌العابدین» یاد می‌نمود.

و اذیت‌های آنان آزرده نخواهی شد.»<sup>۳۹</sup>

### محبوب‌ترین رهبر آسمانی

داستان معروف امام سجاد علیه السلام هنگام زیارت بیت الله الحرام دلیل واضحی بر جایگاه والای معنوی و اجتماعی آن حضرت در عصر خود می‌باشد. خلاصه آن ماجرا چنین است:

در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، سالی پسرش هشام بن عبدالملک<sup>۴۰</sup> به زیارت خانه خدا رفت؛ اما در اثر ازدحام جمعیت نتوانست «حجرالاسود» را زیارت کند و کوشش اطرافیانش نیز در این زمینه نتیجه‌ای نداشت. ناگزیر برای او در کنار کعبه تختی نصب کردند و وی در آنجا نشست و به تماشای حجّاج و طواف‌کنندگان پرداخت. اطرفیان شامی او نیز در کنارش گرد آمده و به اجتماع پرشکوه حج نظاره می‌کردند. در همین حال، ناگهان حضرت سجاد علیه السلام پدیدار شد؛ آن حضرت که در میان جمعیت با سیمایی زیبا و وجودی نورانی همچون ستاره‌ای می‌درخشید، گرد خانه خدا طواف کرد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، مردم با کمال احترام و تواضع راه را بر امام باز کردند و حضرت به راحتی حجرالاسود را زیارت نمود.

این منظره که هشام و اطرافیانش را به حیرت واداشته بود، موجب شد تا یکی از شامیان از هشام بپرسد که: این شخص با عظمت کیست که مردم این چنین احترامش می‌کنند؟ اما هشام به جهت اینکه شامیان آن حضرت را نشناختند، پاسخ داد: من هم نمی‌شناسم! «فَرَزْدَق» شاعر که در آنجا حاضر بود، بلند شده و با جرئت تمام گفت: اما من او را می‌شناسم!

۳۹- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹.

۴۰- وی از سال ۱۰۵ تا ۱۲۵ ه. زمام حکومت را به دست گرفت. از آنجایی که امام چهارم علیه السلام در سال ۹۵ ه. توسط ولید بن عبدالملک به شهادت رسید، هشام بن عبدالملک جانشین خلیفه به شمار می‌آمده است.

گفت: من می شناسمش نیکو  
 زو چه پرسى، به سوى من کن رو  
 اگر هشام او را نمى شناسد، من آن جوان زیبا روى و نورانى  
 چهره را خوب مى شناسم. مرد شامى گفت: او کیست ای  
 ابوفراس؟! فرزدق در پاسخ آن مرد شامى قصیده معروف  
 خود را در چهل بیت سرود؛ از جمله اینکه:  
 هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَ طَأْتَهُ  
 وَ النَّبْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْحَلُّ وَ الْحَرَمُ  
 این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت  
 او را می شناسد و خانه کعبه، حل و حرم او را  
 می شناسند.

هَذَا ابْنُ خَيْرٍ عِبَادَ اللَّهِ كُلِّهِمْ  
 هَذَا التَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ  
 این فرزند بهترین بندگان خداست. این جوان پاک و پاکیزه  
 و پیراسته و شناخته شده است.

مَا قَالَ لَا قَطُّ إِلَّا فِي تَشْهَدِهِ  
 لَوْ لَا التَّشْهَدُ كَانَتْ لَأَوْه نَعَمَ  
 هرگز کلمه (لا) بر زبان نیاورد مگر در تشهد نماز که اگر  
 آن هم نبود (لا) ی او همه اش (بلی) بود.

هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلَهُ  
 بِجَدِّهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهُ قَدْ حُتَمُوا  
 این فرزند فاطمه است. اگر او را نمى شناسی، او کسی است  
 که جدش خاتم الانبیاء می باشد.

... او از خاندانی است که محبت ایشان، دین و دشمنی با آنان،  
 کفر و نزدیک شدن به آنان، پناهگاه و نجات بخش است.  
 هرکسی خدای را بشناسد، نیاکان او را نیز نیک می شناسد  
 که دین اسلام از خانه او به سایر مردم رسیده است...  
 هشام بن عبدالملک بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین شد و

حقوق فرزدق را از بیت المال قطع نموده و او را در عسفان (بین  
 مکه و مدینه) زندانی کرد. حتی در اعتراض به فرزدق گفت:  
 تو تا به حال برای ما چنین مدحی نگفته ای! فرزدق گفت: تو  
 نیز جدی مثل جد او و پدری مثل پدر او و مادری مثل مادر او  
 بیاور تا من شبیه این ابیات را در مورد شما نیز بسرایم.  
 بعد از این ماجرا، امام سجاده علیه السلام دوازده هزار درهم برای  
 فرزدق فرستاد و فرمود: ای ابوفراس ما را معذور دار؛ اگر  
 بیش از این مقدورمان بود، برایت می فرستادیم.  
 اما او نپذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا! آنچه من گفتم،  
 به خاطر جایزه نبوده بلکه برای رضای خدا و رسولش بوده  
 است. من پاداشی از شما نمی خواهم.  
 امام علیه السلام دوباره آن اموال را برای فرزدق فرستاد و فرمود:  
 «خداوند مکان و منزلت و نیت تو را می داند، به حق من آن  
 را قبول کن.» و فرزدق آن را پذیرفت.<sup>۴۱</sup>

### برگی از دفتر آفتاب

- ۱- نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ  
 عِبَادَةً.<sup>۴۲</sup> نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از روی  
 دوستی و محبت به او، عبادت است.
- ۲- كَفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا  
 وَ آجَلًا.<sup>۴۳</sup> خودداری از آزار دیگران، نشانه کمال خرد  
 و مایه آسایش دو گیتی است.
- ۳- خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصَّدْقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِمِهَا الْوَفَاءُ.<sup>۴۴</sup>  
 بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین  
 پایان آنها وفا است.

۴۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۹. روضة الواعظین، ج ۱، ص: ۲۰۰  
 ۴۲- تحف العقول ص ۲۸۲  
 ۴۳- تحف العقول ص ۲۸۳  
 ۴۴- بحار الأنوار (طبیروت) ج ۷۵، ص ۱۶۱ - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ص ۹۳، ج ۲۱

- ۴- كَفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ  
 آجَلًا.<sup>۴۵</sup> خودداری از آزار رساندن، نشانه کمال خرد  
 و مایه آسایش دو گیتی است.
- ۵- إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ.<sup>۴۶</sup> انتظار فرج از  
 برترین اعمال است.
- ۶- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْبُبْنِي عَنِ السَّرْفِ  
 وَالْأَزْدِيَادِ.<sup>۴۷</sup> خداوندا بر محمد و آل او درود فرست  
 و مرا از اسراف و زیاده روى محافظت فرما.
- ۷- الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا يُدْخِرُ لَهُ، وَ  
 إِمَّا يُعَجِّلُ لَهُ، وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بِلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ  
 يُصِيبَهُ.<sup>۴۸</sup> مؤمن از دعای خویش یکی از سه بهره  
 را دارد: یا برایش ذخیره می شود، یا برایش مستجاب  
 می گردد، یا بلائی که مقدر بوده به او برسد، از او دفع می شود.
- ۸- إِيَّاكَ وَ الْإِبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ، فَإِنَّ الْإِبْتِهَاجَ بِهٍ أَعْظَمُ مِنْ  
 رُكُوبِهِ.<sup>۴۹</sup> از خوشحال شدن به گناه بهره ایز، چرا که  
 خوشحالی از انجام گناه، از ارتکاب گناه بدتر است.
- ۹- يَا بَنِي! إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا  
 اللَّهَ.<sup>۵۰</sup> ای فرزندانم! از ستم به کسی که جز خداوند  
 یاور و پشتیبانی علیه تو ندارد، برحذر باش.
- ۱۰- إِنَّ صَدَقَةَ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ؛<sup>۵۱</sup> همانا صدقه  
 پنهانی، آتش خشم پروردگار را فرو می نشاند.

۴۵- تحف العقول، ص ۲۸۳  
 ۴۶- منتخب الاثر، ص ۲۴۴  
 ۴۷- صحیفه سجاده، «دعاء ۳۰».  
 ۴۸- تحت العقول، ص ۲۸۰  
 ۴۹- كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۸  
 ۵۰- کافی، ج ۲، ص ۳۳۱  
 ۵۱- كشف الغمه، ج ۲، ص ۷۷



۱۱- لا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَلُ؛<sup>۵۲</sup> کاری که با اخلاص و پرهیزگاری توأم باشد، هر قدر به ظاهر کم باشد، کم نیست، چگونه ممکن است عملی که مقبول درگاه خداست، کم باشد؟!

۱۲- إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ عِذْرَهُ؛<sup>۵۳</sup> اگر کسی از سمت راست تو، به تو دشنام داد، سپس به سمت چپ تو رفت و از تو عذر خواهی کرد، عذر خواهی اش را بپذیر.

۱۳- حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ؛<sup>۵۴</sup> حق استاد تو این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسیاری .

۱۴- وَ أَمَا حَقُّ أُمَّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمَلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا؛<sup>۵۵</sup> حق مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی کند و از میوه دلش آن به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی دهد.

۵۲- تحف العقول، صفحه ۲۰۱.

۵۳- تحف العقول، ص ۲۸۲

۵۴- کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۰.

۵۵- الأمالی، صدوق، ص ۴۵۳.

### منزلت والدین

خداوند متعال از همان روز نخست که انسان را آفرید و از حضرت آدم علیه السلام حوا نسل بشر تداوم یافت، توسط تمام پیامبران الهی مقام و منزلت پدر و مادر را بیان کرده و حقوق عظیم آنان را به فرزندان اعلام نمود.

خداوند متعال در برخی از آیات به این حقیقت تصریح نموده و عالی ترین آموزش اخلاقی را که در حقیقت بارزترین منشور حقوق بشر می باشد به نمایش می گذارد و حقوق پدر و مادر را در کنار توحید که بالاترین هدف ادیان الهی است بیان کرده و می فرماید: « وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا »<sup>۵۶</sup> از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی و احسان نمائید.

و همچنین یحیای پیامبر علیه السلام را به خاطر رعایت حقوق پدر و مادر ستوده و اعلام می دارد که: وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ؛ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار و خوشرفتار بود و هرگز نافرمان و متمرّد نبود. و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام افتخار تمام می گوید: وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا<sup>۵۷</sup> خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی نگردانید. و در نهایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز چون از نعمت پدر و مادر محروم بود آرزو می کرد که اگر پدر و مادرش زنده بودند به آنان خدمت کرده و رضایت آنان را جلب می کرد.<sup>۵۸</sup>

قرآن کریم در آیات متعدد دیگری نیز به حقوق مهم والدین اشاره کرده و فرزندان متعهد را به رعایت آنان دعوت می کند.

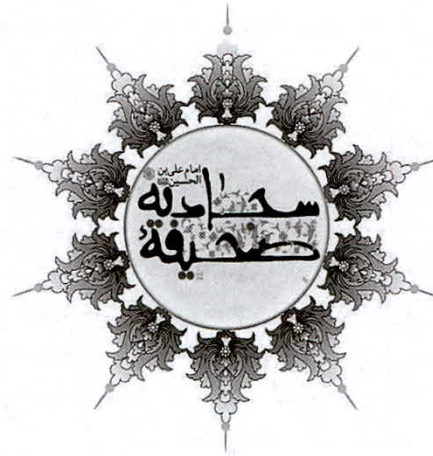
۵۶- بقره / ۸۳

۵۷- مریم / ۳۲

۵۸- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۰.

### فصل دوم

#### دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیه



### حقوق متقابل

اگر پدران و مادران به وظایف خود آشنا باشند و حقوق فرزندانشان را همان طوری که در مکتب وحی آموخته‌اند به انجام برسانند، مطمئناً فرزندان صالح نیز متقابلاً به انجام حقوق والدینشان همت گماشته و به وظایف خود به نحو احسن عمل خواهند نمود.

اما اگر پدران و مادران به تربیت صحیح اولادشان نپردازند و در مورد آن بی توجه شوند، بدیهی است که نباید چندان انتظاری از بچه‌های تربیت نیافته خود داشته باشند.

اگر پدر و مادر رعایت حقوق فرزندان را نکنند و آنان را طبق فرهنگ اسلام و تعالیم عالی اهل بیت علیهم‌السلام پرورش ندهند ممکن است در آینده با مسائلی روبرو شوند که هیچ‌گاه تصور نمی‌کرده‌اند.

### از منظر اهل بیت علیهم‌السلام

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: نیکی به پدر و مادر از معرفت و دشمنی، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست بدارند. آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، زیرا هیچ عبادتی در رساندن یک فرزند به رضایت پروردگار متعال، سریع‌تر و نزدیک‌تر از نیکی به پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا نیست، چون که حقوق والدین از حق خدا ناشی می‌شود به شرطی که پدر و مادر در راه دین خدا و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشند. چون چنین پدر و مادری هیچ‌گاه فرزندشان را از راه خیر به سوی شر و از طاعت به سوی عصیان دعوت نمی‌کنند، پس در معاشرت با آنان مدارا و ملایمت کن! اذیت و ناراحتی‌های آنان را تحمل نما، همچنان که آنان آزار و اذیت تو را در دوران کودکی به جان خریدند، و در خوراک و پوشاک همچنان خداوند متعال به تو وسعت

داده تو هم آنان را در مضیقه قرار مده، چهره‌ات را از آنان بر مگردان، صدایت را از صدای آنان بالاتر مبر، که این در حقیقت تعظیم خداست و با آنان نیکو سخن بگو و نرم و لطیف باش، همانا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.<sup>۹۹</sup>

امام چهارم علیه‌السلام در مورد حقوق سنگین والدین که بر عهده فرزندان نهاده شده نکات بس ظریف و ارزشمندی را در قالب دعا و مناجات بیان فرموده که حاوی دستورات مهم تربیتی نیز هست.

### \* فراز اول: درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آتش

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أَخْصِصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ وَ أَخْصِصْ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خدایا! بر حضرت محمد، بنده و فرستاده‌ات و اهل بیت پاک او درود فرست و بهترین درودها و رحمت و برکات خود را به آنان اختصاص ده و پدر و مادر مرا به درود و کرامت نزد خود ویژه گردان. ای مهربان‌ترین مهربانان.»

این دعا، در بردارنده حقوق پدر و مادر بر فرزندان و حاوی اشاراتی به حقوق فرزندان بر والدین است: امام سجاد علیه‌السلام با نهایت خضوع در برابر حضرت احدیت، حقوق والدین بر فرزندان را بر شمرده و وظیفه فرزندان را در برابر یکایک آنها - در حدی که بتوان ادا کرد - تبیین نموده است.

### نقش صلوات در جلب رحمت الهی

بخش اول این فراز، درود بر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام اختصاص آنان به افضل تحیات و صلوات است.

۵۹- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

باید توجه کرد امام سجاد علیه‌السلام هر جا که بر پدران معصوم خود درود می‌فرستد، چشم به استحقاق حقیقی و مقام والای انسانی آنان دارد، نه آن که عاطفه فرزندى و تعلق نسبی به آن حضرات، ایشان را بدین امر وا داشته است؛ چونان افرادی که بر پایه تعصب تباری و قومی و بدون لحاظ شایستگی پیشینیان خود، به تمجید و تعریف از ایشان لب می‌گشایند و سلام و درود نثارشان می‌کنند. طلب رحمت به جا و از روی استحقاق، آثار فراوان دارد؛ از جمله ایجاد رابطه روحی که به تدریج موجب سنخیت و هم‌گونی با آن راهنمایان پیشین می‌گردد و این گونه ارادت ورزی‌ها به ساحت مقدس امامان علیهم‌السلام چه بسا موجب جلب توجه آن بزرگواران شود.

### آیات و روایات درباره صلوات

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛<sup>۱۰۰</sup> خدا و ملائکه خدا درود می‌فرستند بر پیغمبر، ای کسانی که ایمان آورده اید! صلوات بفرستید بر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عالی‌ترین وجه ترسیم شده است، چرا که هم خداوند متعال و هم تمام فرشتگان مقرب او بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درود می‌فرستند و هم دستور داده شده است همه مؤمنان بدون استثناء بر او رحمت و درود و سلام بفرستند.

درست است که در این آیه، سخنی از آل پیامبر علیهم‌السلام به میان نیامده است، ولی در روایات بسیاری می‌خوانیم که وقتی اصحاب و یاران از حضرتش سوال کردند: چگونه درود و صلوات و سلام بر شما بفرستیم، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «اهل بیتش» (آل) را در کنار خود قرار داد و تمام رحمت و

۶۰- احزاب / ۵۶

درودی که از خداوند برای او تقاضا می‌شد، برای «آتش» نیز تقاضا می‌کردند. این قرینه است بر این که صلوات و درود خداوند و ملائکه نیز تعمیم دارد، هم شامل پیامبر ﷺ و هم شامل «آل» او می‌شود، و این یک مساله ساده نیست، بلکه نشان می‌دهد که آنها مقاماتی دارند و به عنوان جانشینان پیغمبر مأموریتی دارند، در جهاتی شبیه مأموریت او، وگرنه این همه مقام تنها به خاطر خویشاوندی، غیر ممکن است.

### اهمیت صلوات

صلوات شعار رسمی مسلمانان است که هر صبح و شام بارها در بهترین عبادت خویش (نماز) آن را تکرار می‌کنند. صلوات پیوسته خداوند و فرشتگان بر پیامبر و امر تأکیدی به مؤمنان بر تداوم صلوات بر ایشان را تسلیم بودن در برابر فرمان‌های پیامبر ﷺ، جلوه دیگری از این اهمیت است.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا »

در روایتی از امام صادق عليه السلام آمده است که ابوبصیر سؤال کرد: منظور از صلوات بر پیامبر ﷺ را فهمیده‌ایم، اما معنی تسلیم بر او چیست؟ امام فرمود: «منظور تسلیم بودن در برابر او در هر کار است.»<sup>۶۱</sup>

از صلوات، در روایات به عنوان «برترین اعمال» یاد شده، چنانکه خوارزمی در «مناقب» خود از ابوعلقمه نقل کرده که روزی پیغمبر ﷺ نماز صبح را با ما گزارد و بعد از آن به ما رو کرد و فرمود: «ای یاران! من دیشب عموی خود حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابیطالب را در خواب دیدم. از ایشان پرسیدم: فدایتان شوم، کدام اعمال را برتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را در سه چیز یافتیم: صلوات بر شما، آب دادن تشنگان و دوستی علی بن ابیطالب.»<sup>۶۲</sup>

۶۱- تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۵۷۹

۶۲- منهج الصادقین، همان، ص ۳۶۱

حضرت رضا عليه السلام فرمودند: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفَرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَوَاتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ.»<sup>۶۳</sup>؛ کسی که قدرت بر انجام کاری که کفاره گناهانش شود ندارد، زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، به حقیقت که صلوات نابودکننده گناهان است، چه نابود کردنی. و نیز آن حضرت فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد، در پیشگاه خدای عزوجل برابر تسبیح و تهلیل و تکبیر است.

باید توجه داشت که از مهم‌ترین آثار صلوات، رشد ایمان است؛ رسول خدا عليه السلام می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ.»<sup>۶۴</sup>؛ هر کسی که بر من صلوات فرستد، خداوند متعال و ملائکه بر او درود و رحمت می‌فرستند (پس) هر که می‌خواهد کم، و هر که می‌خواهد بسیار صلوات بفرستد. این روایت را در کنار آیه ۴۳ سوره احزاب ببینید که فرمود: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا، أَوْ هَمَّانَ است که بر شما درود می‌فرستد (رحمت خاص خود را بر شما مبذول می‌دارد) و فرشتگانش نیز (برای شما آموزش می‌طلبند) تا شما را از تاریکی‌های (جهل و کفر و فسق) به سوی نور (علم و ایمان و تقوا) بیرون آرد، و او همواره به اهل ایمان مهربان است.» و این یعنی همان رشد ایمان. لذا کثرت صلوات در سرعت رشد ایمان زیر سایه اطاعت فرمان خداوند متعال به طور جدی موضوعیت دارد.

امام صادق عليه السلام فرمودند: «لَا يَزَالُ الدَّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى ۶۳- بحار الأنوار: ۴۷/۹۱، باب ۲۹، حدیث ۲؛ عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/۲۹۴

حدیث ۵۲

۶۴- کافی/ جلد ۴/ ص ۲۴۹

يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ دعا پیوسته در پرده است تا بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود.» در واقع امام می‌خواهد برای پدر و مادر دعا کند، لذا با صلوات این دعا از حجاب استجابت خارج شده و به مقبولیت پروردگار متعال نزدیک می‌شود و این همان اهمیت موضوع است.

### حقوق والدین

بخش دوم این فراز درباره وظایف فرزندان در برابر والدین است. حساسیت و اهمیت این امر، به حدی است که امام عليه السلام از خداوند متعال مدد می‌گیرد که دانش رفتار و روش درست برخورد و نیکی به والدین را به وی الهام کند، تا حقوق ایشان را به نحو اکمل ادا نماید و آن گاه توفیق پیاده کردن آموخته‌ها و به کار بستن آنها را عنایت فرماید. از این رو، واژه «والدین» به صورت تصریح و اشاره، فراوان در قرآن کریم به کار رفته و خداوند سبحان هر بار به گونه‌ای از بندگان خود خواسته است که احترام آنان را رعایت کنند. در ادامه امام معصوم عليه السلام از خدا درخواست کرده است که هرگز در راه این وظیفه مهم، سستی بر او عارض نشود، که قهرا دانش را بی اثر می‌سازد؛ به همین جهت می‌فرماید: «و لَا تَنْقُلْ أَرْكَانِي عَنِ الْخُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ؛ یعنی هرگز ارکان و اعضای وجود مرا نسبت به آن چه به من آموخته‌ای، سست و کاهل مخواه و میسند.»

### \* فراز دوم: در پرتو کرامت الهی

«وَ اَخْصِصِ اللَّهُمَّ وَالدِّيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خداوندا، پدر و مادر مرا نیز به کرامت خود و رحمت خود مخصوص گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

۶۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۱

### کرامت پدر و مادر

امام سجاد علیه السلام به ما می آموزد که از خدا بخواهیم با پدر و مادر ما کریمانه و بزرگوارانه نزد خود برخورد کند و این نشان از شفقت و محبت فرزند نسبت به والدین خود دارد که خوبی های نزد پروردگار را برای آن ها می خواهد.

### کرامت در قرآن

واژه کرامت، در قرآن، فراوان به کار رفته است. در نخستین آیتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، از خداوند با لفظ «اکرام» یاد شده است.<sup>۶۶</sup> در برخی موارد، خداوند با صفت کریم،<sup>۶۷</sup> کرام<sup>۶۸</sup> و یا اکرام توصیف شده است. همچنین، پاداشی که به بندگان نیکوکار داده می شود، همراه با صفت کریم آمده است. قرآن از پیامبران با صفت «کرام»، به معنای بزرگوار و ارجمند، یاد می کند. همچنین جبرئیل علیه السلام فرشتگان دیگر، قرآن و کتاب های آسمانی، همه با این اوصاف آمده اند. قرآن، تقوا را ملاک و معیار کرامت دانسته و منزلت انسان را در ارتباط با تقوا می داند. نیز در برخی آیات، بهشت را جایگاه تکریم دانسته و نعمت های دنیا را کریم و نشانه تکریم انسان بر می شمارد. بنابراین، کاربرد مفهوم کرامت در قرآن بسیار وسیع است، به گونه ای که هم در مورد خدا و هم در مورد ملائکه، انبیا و انسان های دیگر به کار می رود.

### \* فراز سوم: وظیفه شناسی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهْمَا

۶۶- علق / آیه ۳ - ۵ (افْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

۶۷- مؤمنون / آیه ۱۱۶ (فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)

۶۸- الرحمن / آیه ۷۸ (تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ)

غذا داد. او تمام وجودش را برای حفظ و نگهداری تو به کار گرفت. باکی نداشت، که خودش گرسنه بماند و تو سیر باشی، خود تشنه باشد، تو آب بیاشامی، خودش برهنه باشد و تو لباس پوشیده باشی، خودش در مقابل آفتاب باشد و تو سایه نشین باشی.

او از خواب شیرین خود به خاطر تو چشم پوشید و رنج بی خوابی را بر خود هموار ساخت. او تو را از گرمای تابستان و سرمای زمستان حفظ کرد. او همه این رنج ها را تحمل کرد، که تو را داشته باشد و تو از آن او باشی. باید بدانی که تو قدرت و توانائی شکرگزاری مادرت را نداری، مگر آنکه خداوند تو را یاری کند و بر اداء حق او توفیق دهد.<sup>۶۹</sup>

### حقوق پدر

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق پدر هم فرمود: حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است و اگر او نبود تو هم نبود و آن نعمت هایی که در خود می بینی و می پسندی بدان که پدرت سرچشمه این نعمت ها برای توست. پس خدا را ستایش کرده و در مقابل این نعمت شکر نما و بدان که هیچ نیرویی نیست مگر از طرف خدا.<sup>۷۰</sup>

### \* فراز چهارم: برکت در زندگی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى

۶۹- و اما امک فان تعلم انها حملتك حيث لا يحتمل احد احدا و اعطتك من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احدا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تسكوك و تضحى و تظلك و تهجر النوم لا جلك و وقتك الحر و البرد لتكون لها فانك لا تطيق شكرها الا بعون الله و توفيقه (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱)

۷۰- اما حق ايک فان تعلم انه اصلک فانک لولاه لم تكن فمهما رایت من نفسک ما يعجبک فاعلم ان اباک اصل النعمة عليك فيه فاحمد الله و اشکره على قدر ذلک و لا قوة الا بالله. (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱. امالی صدوق، ص ۳۷۱)

مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، كَمَا أُوجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ؛ خدایا! همان‌گونه که ما به وسیله رسول گرامی تو به شرافت ایمان نایل آمدیم، تو نیز بر او و خاندانش درود فرست و همچنان که با هدایت او، حقوقی برای ما برعهده خلق نهادی، درود و تحیت خود را بر او و خاندانش نثار فرما.»

دین اسلام، انسان را موجودی مادی نمی‌داند و امور معنوی را در زندگی او دخیل می‌داند. یکی از امور معنوی، برکت است که اگر عوامل آن رعایت شود، آثار مثبت بی‌شماری دارد. برکت امری است مهم‌تر از ثروت، ضمن این‌که ثروت ممکن است موقتی یا فقط مختص به مال باشد اما برکت پایدار است و تنها به مال تعلق نمی‌گیرد بلکه زوایای مختلف زندگی مانند عمر و زمان را در برمی‌گیرد. کلمه برکت و مشتقات آن، سی‌ودو بار در قرآن کریم ذکر شده و در گفتگوی انسان‌ها به کار می‌رود که چیزی را دارای برکت و چیزی را فاقد آن می‌دانند.

### عوامل برکت‌زا

با مطالعه آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام به عوامل برکت‌زا در زندگی انسان پی می‌بریم که امید است انسان‌ها به جای زحمت برای جمع آوری ثروت به این عوامل روی آورند و نه تنها مال و ثروت، بلکه عمر، قدم‌های خیر و قلم و فکر آنها با برکت و اثرگذار باشد، برخی از این عوامل عبارتند از:

۱- **جماعت:** پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در احادیثی برکت را در جماعت و در جمع بودن دانسته‌اند: «... فَإِنَّ الْبِرَّكَهَ فِي الْجَمَاعَةِ»<sup>۷۱</sup> اسلام با تشویق مسلمانان به شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، مخالفت خود را با گوشه‌نشینی اعلام کرده و حتی در نماز فرادی

۷۱- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۹

نیز عبارت جمعی «ایاک نعبد» و «ایاک نستعین» را واجب نموده است.

۲- **دعا:** نحوه سخن گفتن با دیگران، از مواردی است که در دین اسلام مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «به برادران مبارک باد بگویید و برایش برکت بخواهید.» طلب برکت برای برادران دینی، انرژی مثبت زیادی در وجود مؤمنین ایجاد می‌کند، زیرا وجود مؤمنان حقیقی آکنده از برکت است و دعای آنها در حق برادرانشان، برکت را به زندگی آنها هدیه می‌دهد.

۳- **تکریم بزرگان:** حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَإِنَّ الْبِرَّكَهَ مَعَ أَكْبَرِنَا، فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَيَجِلَّ كِبِيرَنَا، فَلَيْسَ مِنَّا.» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «برکت در بزرگان ماست، کسی که بر کوچک ما رحم نمی‌آورد و بزرگ ما را گرامی نمی‌دارد، از ما نیست.»<sup>۷۲</sup> استفاده از تجربه بزرگان که سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند، گوش دادن به پندهای دلسوزانه و بدست آوردن دل آنان، دریایی از برکت را به زندگی انسان وارد می‌کند.

۴- **پرداخت زکات:** امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»<sup>۷۳</sup> اما اگر ما هر چیز را دارای زکات بدانیم و زکات را نیز مایه برکت بخوانیم، آنگاه به معنای عامی بر خواهیم خورد که رعایت این معنا در عرصه‌های مختلف زندگی، حیاتی‌تر از برکت در تمام زمینه‌ها برای ما به ارمغان خواهد آورد.

به یک حدیث در این زمینه اشاره می‌کنیم: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «بر هر جزئی از اجزای بدن تو، دادن زکاتی در

۷۲- نهج الفصاحه، ص ۳۷۶

۷۳- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳

راه خدای بزرگ واجب است، بلکه بر هر تار موئی، پس **زکات چشم**، نگریستن برای عبرت گرفتن است، و چشم پوشیدن از نامحرم و شهوات، **زکات گوش**، شنیدن علم و حکمت و قرآن است، و حکمت‌های مفید دینی و پند و اندرز نجاتبخش، به همراه دوری گزیدن از آنچه بر ضد اینهاست، یعنی دروغ و غیبت و نظایر آنها، **زکات زبان**، اندرز دادن به مسلمانان و بیدار کردن غافلان است، و ذکر و تسبیح بسیار گفتن، **زکات دست**، بخشندگی و سخاوت است از آنچه خدا به تو انعام کرده است، و بکار گرفتن آن در نوشتن علوم، و رهنمودهایی که مسلمانان در طاعت خدای متعال از آنها بهره‌مند شوند؛ و همچنین به کار نبردن آن در هر کار بد و هر اقدام شر، **زکات پا**، کوشش در انجام دادن حقوق خدای متعال است، یعنی رفتن به دیدن صالحان، و حضور در مجالس ذکر، و کوشش در اصلاح امور مردمان، و صلح رحم، و جهاد، و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد.»<sup>۷۴</sup>

۵- **پرداخت صدقه:** از سفارشات اکید اسلام درباره مال انسان‌ها، صدقه است که برای فرد و جامعه برکات بسیار زیادی دارد.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «جامعه‌ای که افراد آن اهل صدقه باشند، قطعاً برکات آن را در زندگی خود خواهند دید زیرا یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست، چرا که باعث جلب محبت و حسن تفاهم است و امنیت را گسترش داده و دل‌ها را از اینکه به سوی غضب و دزدی و افساد و اختلاس بگراید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فنای اموال را می‌بندد و همه اینها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا

۷۴- همان، ج ۹۳، ص ۷

هم زیاد شود و چند برابر گردد.<sup>۷۵</sup>

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَيَّ مُسْكِينٍ مُسْتَضْعَفٍ فَدَعَا لَهُ الْمِسْكِينُ بِشَيْءٍ تِلْكَ السَّاعَةَ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ؛ هَيْجَ شَخْصِي نَيْسَتْ كَهْ بِهْ مُسْتَمِنْد نَاتَوَانِي صَدَقَه بَدَهْد و آن مسکین در همان وقت برای او دعا کند مگر اینکه دعایش (در حق او) مستجاب گردد.»<sup>۷۶</sup>

۶- **سحر خیزی:** عبارت «سحر خیز باش تا کامروا باشی» را زیاد شنیده‌اید. این عبارت اشاره دارد به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «برکت در سحر خیزی است»<sup>۷۷</sup> سرزندگی و پر انرژی بودن نیز از آثار سحرخیزی است.

۷- **صله رحم:** پیوند با خویشان و آگاه بودن از وضعیت زندگی آنان، از امور مورد توجه اسلام بوده و هست. در گذشته، آگاهی یافتن از حال همسایگان و اقوام، با شب نشینی‌ها و بیان سخنان و تجربیات ریش سفیدان، نعمتی بود که امروزه کم رنگ شده است، اما باز هم صله رحم جایگاه خاص خود را دارد.

حضرت علی علیه السلام یکی از عوامل برکت در زندگی را صله رحم دانسته‌اند، و خطاب به کمیل فرمودند: «يَا كَمِيلُ الْبِرْكَةُ فِي مَالٍ مَنْ... وَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.»<sup>۷۸</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند: «صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تُبَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ؛ صله ارحام اعمال را پاک کند و اموال را فزونی دهد و بلا

۷۵- ترجمه العیزان، ج ۲، ص ۶۴۲

۷۶- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۴

۷۷- محمد حسین صفاخواه، گلچین صدوق، ج ۲، ص ۱۹۰

۷۸- تحف العقول، ص ۱۷۴

را رفع بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را تأخیر اندازد.»<sup>۷۹</sup>

نیکو کردن اخلاق، تقویت روحیه سخاوت، پاکیزه شدن نفس، تأخیر اجل، پاکی اموال، دور شدن بلا، آسان شدن حساب و موارد بسیار دیگر از برکات صله رحم می‌باشند که از مجموعه روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود. برکات این امر تا آن اندازه است که اگر کسی از غیر نیکوکاران باشد و به این امر مبادرت داشته باشد، نیز از برکات آن محروم نخواهد شد.

### مهرورزی به والدین و آثار آن در جامعه

آن چه در این قسمت آمده است تأکید بر نظام عاطفی خانواده و مشخصاً مهرورزی فرزند به والدین است که استحکام نهاد خانواده و همبستگی اعضای آن را بیشتر می‌کند. اصولاً عاطفه و احساس قوی در یک محیط صمیمی و جذاب و سالم چنان در اشباع غرایز عاطفی مؤثر است که مانع هوس‌های غلط و بیمارگونه خواهد شد و از پیدایش عقده‌های پیچیده روانی ممانعت خواهد کرد و بدین ترتیب در سالم سازی نظام اجتماعی سهم عظیمی بر عهده خواهد داشت. پر واضح است که این استحکام محیط خانوادگی و همبستگی نظام اجتماعی و انس مردم با یکدیگر - که در اثر روابط موجود بین این کانون‌های صمیمی حاصل می‌شود - برکات فراوانی به دنبال دارد، تا آن جا که می‌تواند جامعه را به یک خانواده بزرگ تبدیل گرداند. متأسفانه امروزه این احساس مقدس در بسیاری از جوامع کم‌رنگ شده است. خدا نکند همبستگی و عاطفه خانوادگی تا آن جا رنگ ببازد که شاهد گسست رابطه بین فرزندان و والدین و به تدریج گسیختگی

۷۹- همان، ص ۱۵۰

و فروپاشی ارکان نهاد مقدس خانواده باشیم.

بنابراین، پدران و مادران باید در ایجاد یک محیط صمیمی کوشا باشند. در غیر این صورت، پیش‌بینی واگرایی فرزندان از ایشان امر دشواری نخواهد بود و تنها عاملی که می‌تواند جایگاه فرزندان را در چارچوب روابط خانوادگی تحکیم بخشد، تربیت دینی و اخلاق الهی است که باید با اهتمام والدین از ابتدایی‌ترین مراتب و با روش صحیح آغاز شود و گام به گام پیش رود.

حقیقت این است که اگر فرزند، عاطفه را در حق مادر و پدر از دست دهد، هیچ گاه نخواهد توانست در حق جامعه و کشورش مهرورز و صمیمی باشد و رابطه عاطفی با آن برقرار سازد. چنین فردی اگر در منطقه جنگی حاضر شود، برای هر ساعتی حقوق و مقرری خاصی مطالبه می‌کند و در واقع جبر دولتی و سپس طمع مادی او را به فضای دفاع از کشور سوق می‌دهد. از جان گذشتگی در میان این افراد نادر است و صرفاً از انتقام‌گیری ناشی از خشم مقطعی ناشی می‌شود، نه یک احساس عمیق عاطفی درباره هموطنان و میهن خود. اسلام اگر دفاع از حریم دین و شریعت و میهن را وظیفه هر مسلمان قلمداد کرده است، مبنای مستحکم آن را در تحکیم عاطفه‌های خانوادگی و دینی پی‌ریزی کرده است.

بنابراین، خاستگاه دفاع از شرافت دینی و ایمانی، همان باورداشت مبدأ و معاد است. این تربیت ایمانی و عاطفه قوی کار را بدان جا می‌رساند که فرد از بین هزاران تعلق خاطر خانوادگی و قومی و ملی، تنها یکی را برمی‌گزیند و او خدا است و غیرخدا را فراموش می‌کند و در برابر خدا همه چیز برایش رنگ می‌بازد.

آن چه آورده‌ایم، مربوط به آثار اجتماعی این حکم مؤکد

بود که امام علیه السلام درباره حقوق والدین بر فرزندان بیان فرمود. از سوی دیگر، در جهت تربیت شخصی افراد عدم رعایت این مهم، عقوق والدین و نارضایتی آنان را به دنبال خواهد داشت که سزای اخروی آن بی‌تردید آتش جهنم است، چراکه بی‌احترامی به پدر و مادر از بدترین نوع گناهان کبیره است. واقعیت این است که انسان تا پدر و مادر نشود، نمی‌تواند تصور کند که پدر و مادر چه موجوداتی هستند و چه عواطفی دارند و چه زحماتی را متحمل می‌گردند.

### \* فراز پنجم: احساس شکوه والدین

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَ أَبْرَهُمَا بَرِّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْتَانِ، وَ أَثْلَجَ لَصَدْرِي مِنْ شَرِيَةِ الظَّمَانِ حَتَّى أَوْثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ أَقْدِمَ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا وَ أَسْتَكْتَرُ بِرَهُمَا بِي وَ إِنْ قَلَّ، وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرَ؛ خداوند! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم، و به هر دو چون مادری مهربان نیکی نمایم، و اطاعت از آنان و خوش رفتاری با آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلودم شیرین‌تر و برای سینم از شربت گوارا در ذائقه تشنه‌ام گواراتر گردان، تا خواسته ایشان را بر خواسته خودم ترجیح دهم، و خرسندی آنان را بر خرسندی خود مقدم دارم، و خوبی ایشان را درباره خود هر چند اندک باشد زیاد بینم، و نیکویی خود را درباره آنان هر چند بسیار باشد کم شمارم.»

پدر و مادر باید دارای هیبت و شکوه در ذهن فرزندان خویش باشند و این با برخورد اسلامی حاصل خواهد شد. از طرفی همانگونه که انسان در مواجهه با سلطان ستمگر جرأت نافرمانی او را ندارد، امام سجاد علیه السلام توجه می‌دهند

این‌گونه باید مطیع فرمان پدر و مادر بود، به گونه‌ای که توانایی خلاف خواست آن‌ها را به خود اجازه ندهیم؛ خواست و خشنودی آن‌ها را بر آنچه خود می‌پسندیم ترجیح دهیم و در این مسیر رضای خدا را مورد نظر داشته باشیم و البته باید توجه داشت، اطاعت فرمان آن‌ها تا زمانی است که خلاف دستورات خدای سبحان نباشد، چون حق خدا اعظم حقوق است.

از طرفی امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد که: نیکی آن‌ها را نسبت به خود زیاد ببینیم، اگرچه کم باشد و برعکس نیکی خویش به آن‌ها را زیاد ببینیم اگرچه که زیاد باشد. مجموع این مطالب در این جمله نورانی بیان شده است: «فرزندان همیشه خود را نسبت به پدر و مادر مدیون دیده و خود را هیچگاه طلبکار نبینند.» و این خیلی نکته مهمی است که ما همیشه ولو هرکاری انجام دهیم، نسبت به والدین بدهکاریم و این یعنی همیشه خادم آن‌ها باشیم و نه آقایان...»

### رمز موفقیت انسان‌های موفق

نیکی به والدین و سپاس از خدمات بسیار آنان، می‌تواند بسیاری از گره‌های مشکل زندگی را حل کرده و زمینه موفقیت را در طول زندگی فراهم آورد.

در اینجا دو نمونه از انسان‌های موفق تاریخ در این زمینه را یاد آور می‌شویم:

#### ۱- آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله

آیت الله مرعشی نجفی بزرگ فرهنگبان میراث اهل بیت علیهم السلام در بیش‌تر علوم اسلامی صاحب‌نظر بود و تألیفات ارزشمند ایشان - که نزدیک به صد و پنجاه اثر در موضوعات مختلف است - گواه روشنی بر این حقیقت است. کرامات معنوی،

دریافت بیش از چهارصد اجازه اجتهادی و روایت از علمای بزرگ اسلامی، تدریس متجاوز از شصت و هفت سال در حوزه علمیه قم و نجف، تربیت هزاران طلبه و مشتاق دانش، تأسیس ده‌ها مدرسه علمی، مسجد، حسینیه، مراکز فرهنگی، رفاهی و درمانی و ایجاد بزرگ‌ترین و مشهورترین کتابخانه در جهان اسلام، از جمله توفیقات این فقیه فرزانه می‌باشد.

او یکی از مهم‌ترین عوامل توفیقات خود را از برکت محبت و سپاس از پدر و دعای والدین می‌داند و در خاطرات خود می‌گوید: زمانی که در نجف بودیم، یک روز مادرم فرمود: «پدرت را صدا بزن، تا برای صرف نهار تشریف بیاورد.» حقیر به طبقه بالا رفتم و دیدم پدرم در حال مطالعه خوابش برده است؛ مانده بودم چه کنم. از طرفی می‌خواستم امر مادرم را اطاعت کنم و از سویی دیگر می‌ترسیدم با بیدار کردن پدر، باعث رنجش خاطر او گردم. خم شدم و لب‌هایم را کف پای پدر گذاشتم و چندین بوسه برداشتم، تا این‌که در اثر قلقلک پا، پدرم از خواب بیدار شد و وقتی این علاقه و ادب و کمال احترام را از من دید فرمود: «شهاب‌الدین! تو هستی؟» عرض کردم: «بله، آقا.» دو دستش را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «پسرم! خداوند عزتت را بالا ببرد و تو را از خادمین اهل بیت علیهم السلام قرار دهد.» حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) می‌فرمود: «من هرچه دارم، از برکت آن دعای پدرم می‌باشد.»<sup>۸۰</sup>

#### ۲- پاستور؛ شیمیدان فرانسوی

در کشورهای غربی، بر اثر حاکمیت تکنولوژی و صنعت، روابط عاطفی ضعیف و کم‌رنگ است و روابط عاطفی اعضای خانواده‌ها، متزلزل و گاهی اصلاً وجود ندارد؛ اما از آنجاییکه

۸۰- همان، ص ۲۳۴.

عاطفه و محبت، امری فطری است، در نهاد برخی افراد غربی به ویژه، فطرت‌های سالم، عقلا و نخبگان اندیشمند، این حس درونی و ندای وجدان، خاموش نشده و گاهی جرقه‌هایی از آن مشاهده می‌شود. بلی از نظر اقتصادی و نظامی، کشورهای غربی، پیشرفته و متمدن جلوه می‌کنند، ولی به شدت در خلأ فرهنگی و فقر عاطفی در رنج و عذاب‌اند.

لویی پاستور، شیمیدان معروف فرانسوی و صاحب کشف‌های مهم علمی، هنگامی که بر اثر نظریه‌های بدیع خود به اوج افتخار جهانی نائل شد، دولت فرانسه در صدد برآمد تا خانه‌ای را که محل تولد او بود به موزه تبدیل کند. پاستور در آن مراسم، ضمن یک سخنرانی که در خانه محقرشان ایراد کرد، از مادر فداکارش، کمال سپاس و حق‌شناسی را به جای آورد. او با صدایی که از فرط تأثر می‌لرزید، چنین گفت: «ای مادر عزیز! ای گمشده دل‌بند که سالیانی دراز در این خانه با من به سر بردی! تویی که اکنون همه چیز را مدیون تو می‌بینم. مادر شجاع و دلدارم! تمام حس فداکاری و شور و هیجانی که در راه عظمت علم و بزرگی میهنم به کار بسته‌ام و از این پس نیز به کار خواهم بست، تو به من آموخته‌ای و در وجودم رسوخ داده‌ای. کار مشقت‌باری که تو در خانه و در کارگاه کوچکمان پیش گرفته بودی، به من در تحقیقات علمی آینده‌ام، درس صبر و حوصله داد. آنگاه که با وجود فقر و مسکنت، مرا به مکتب فرستادی، عشق به میهن و خدمت به بشر را در شب و روز به من آموختی. اکنون از تو اجازه می‌خواهم، تمام سرافرازی که میهنم در جشن امروز به من اعطاء می‌کند را به پیشگاه عظمتت تقدیم کنم. همین قدر بدان که فرزندان امروز که در میان امواج افتخار و سربلندی غوطه‌ور است، باز هم خود را بدون تو، ای مادر عزیز! در این جهان بزرگ تنها و بی‌پناه می‌بیند.»<sup>۸۱</sup>

۸۱- مادر، جلال‌الدین افتخارزاده، تهران، نشر بوعلی، ۱۳۴۷ ش، ص ۲۳۹.

**\* فراز ششم: خطاب نرم و دلپذیر**

«اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكْتِي، وَ اعْظِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلِيَهُمَا شَفِيقًا؛ خدایاندا! صدایم را در محضر آنان ملایم کن، و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما، و خلق خویم را نسبت به آنان نرم کن، و قلبم را بر آنها مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو خوش رفتار و دلسوز قرار ده.»

از نکات مهمی که جوانان باید در مورد پدر و مادرشان رعایت کنند، لحن خطاب و استفاده از کلمات دلپذیر و دوست داشتنی است. رعایت این نکته، می‌تواند تأثیر بسزایی در استحکام روابط والدین و فرزندان داشته باشد. فرزندان با این شیوه، نه تنها در دل والدین جا باز می‌کنند و محبت افزون‌تری به دست می‌آورند، بلکه خشنودی خداوند متعال را نیز کسب خواهند کرد.

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۲۴ سوره مبارکه اسراء که فرمود: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر» سؤال شد. ایشان این گونه بیان فرمودند: لا تَمَلُّا عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ، وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَ لَا يَدِيكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَتَقَدَّمْ قَدَامَهُمَا؛ چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن و صدایت را بلندتر از صدای آنها نکن دست‌هایت را بالای دست‌های آنها مبر، و جلوتر از آنان راه مرو.<sup>۸۲</sup>

این که از امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، رفیق یعنی مدارا؛ ممکن است پدر و مادر اخلاقی داشته باشند که ما نپسندیم و یا حرفی بزنند که مورد میل ما نباشد، به هر ترتیب بنده خوب خدا بر اساس تعالیم الهی باید با آن

۸۲- بحارالانوار/ج ۷۱/ص ۴۰

بزرگواران مدارا کند و نه این که به گونه‌ای برخورد کند که خدای ناکرده باعث رنجش آنها شود، بلکه نسبت به آنها شفیق و دلسوز باشد که اگر آن طور بود، رفیق نیز خواهد بود، لذا فرمود: «وَ عَلِيَهُمَا شَفِيقًا».

**مرا بابا صدا کن!**

روایتی جذاب و قابل توجه از ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با دختر گرامی‌اش حضرت فاطمه علیها السلام، گویاترین سند این ادعا است. امام صادق علیه السلام نقل از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: هنگامی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»<sup>۸۳</sup> نازل شد، من بیم داشتم که در خطاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بگویم: «ای پدر!»؛ بلکه می‌گفتم: «یا رسول الله.» دو سه بار آن حضرت چیزی به من نگفت، اما یکبار به من رو کرد و فرمود: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّهَا لَمْ تَنْزَلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسْلِكَ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْعَلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَذْخِ وَ الْكِبْرِ قَوْلِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ»<sup>۸۴</sup> ای فاطمه! آن آیه در مورد تو نازل نشده و در مورد خانواده و نسل تو نیز نازل نشده است. تو از منی و من از توأم؛ آن آیه برای جفاکاران و درشتخویان قریش که اهل گردنکشی و تکبرند نازل شده است. تو همچنان بگو «ای پدر» که این گونه صدا کردن، دل را زنده‌تر می‌دارد و خداوند را خشنودتر می‌سازد.»

**\* فراز هفتم: سپاس و قدردانی**

«اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَثْبِتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ اخْفِظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي؛ خدایاندا! به آنها به پاس

۸۳- نور/ ۶۳. «رسول خدا صلی الله علیه و آله را در هنگام خطاب، مانند خودتان صدا نکنید و نام نبرید (او را یا رسول الله خطاب کنید).»

۸۴- المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۳۲۰.



تربیت من، جزای نیکو عنایت فرما و در مقابل آن که مرا گرامی داشتند پاداش نیکو عطا فرما، و هر رنجی را که در کودکی نسبت به من تحمل کرده‌اند، در حق ایشان محفوظ بدار.»

تشکر از ولی نعمت امری فطری است و عقلای عالم روی آن تأکید دارند. اساساً انسان از کسی که قدردان نعمت‌های داده شده نباشد خوشش نمی‌آید و او را فردی جاهل، بی ادب، بی فرهنگ، و دور از انسانیت قلمداد می‌کند و در مقابل شکرگزاری و قدرشناسی در میان عموم مردم امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. امام سجاد علیه السلام بر اساس همین فطرت از خداوند متعال برای قدردانی از والدین استمداد می‌طلبد و اساساً به غیر از این راهی برای جبران زحمات والدین وجود ندارد.

### سعدی و مادر پیر

سعدی در گلستان می‌نویسد: وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟! چه خوش گفت: زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن گراز عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من نکردی در این روز بر من جفا که تو شیر مردی و من پیرزن

### سپاس شیخ انصاری از مادر

شیخ مرتضی انصاری رحمته الله علیه بزرگ پرچمدار جهان تشیع و سرآمد فقها و مجتهدین امامیه است. او بعد از آنکه مدتی در شهر کربلا در حضور استادش، مرحوم شریف العلما و سایر اساتید حوزه علمیه نجف تحصیل کرد، به زادگاهش، شوشتر مراجعت نمود. شیخ، مدتی تحصیلات خود را در همانجا

ادامه داد، مجدداً تصمیم گرفت تا برای تکمیل مراتب علمی به عتبات عالیات برگردد. اما مادرش به رجوع دوباره وی راضی نبود: اصرار شیخ و دیگر افراد برای جلب رضایت مادر بی‌نتیجه بود؛ تا اینکه شیخ به مادرش عرضه داشت: «آیا اجازه می‌دهی تا استخاره کنم و جواب هر چه بود در مقابل آن هر دو تسلیم باشیم؟» مادرش پذیرفت. در جواب استخاره شیخ این آیه آمد: «وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»<sup>۸۵</sup> هرگز مترس، محزون مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از رسالت‌مداران خود قرار می‌دهیم. وقتی این آیه را به مادرش توضیح داد، او خیلی خوشحال شد و به شیخ مرتضی اجازه مسافرت داد. شیخ انصاری در این مسافرت سرنوشت‌ساز خود، به برکت دعای مادر، توفیق الهی و تلاش و استقامت خویش به بالاترین درجه اجتهاد و مرجعیت نائل شد و پرچم اسلام بر دوش وی قرار گرفت و بزرگ‌ترین رهبر مذهبی، در عصر خود گردید. هنگامی که به مادر شیخ انصاری گفته شد: آیا از این همه ترقی و عظمت فرزندش برخوردار نمی‌بالی و افتخار نمی‌کنی؟! در جواب گفت: «رسیدن فرزندم به شکوه و عظمت، برای من شگفت‌انگیز نیست، بلکه اگر چنین نمی‌شد من متعجب می‌شدم؛ چرا که هر وقت که به او می‌خواستم شیر بدهم، وضو می‌گرفتم و با طهارت و پاکیزگی، به او شیر می‌دادم.» بلی، شیر پاک، فکر پاک و شیر ناپاک اندیشه ناپاک تولید می‌کند.

در حوزه علمیه نجف، رسم شیخ بر این بود که در بازگشت از مجلس تدریس، ابتدا نزد مادر می‌رفت و برای دلجویی از آن پیرزن، با وی به گفتگو می‌پرداخت و از اوضاع زندگی مردم پیشین می‌پرسید و مزاح می‌کرد و از او پوزش می‌طلبد. سپس به اتاق مطالعه و عبادت می‌رفت.

زمانی که مادر شیخ انصاری از دنیا رفت، او در فراق مادر به شدت می‌گریست و در کنار پیکر بی‌جان مادرش زانوی غم زده و اشک ماتم می‌ریخت. یکی از شاگردان نزدیکش به او تسلیت گفت و به عنوان دلجویی اظهار داشت: «جناب استاد! برای شما با این مقام علمی، شایسته نیست که برای درگذشت پیرزنی که عمرش سرآمده بود، این‌طور اشک بریزید و بی‌تابی کنید.» آن بزرگ‌مرد تاریخ، سر برداشته و گفت: «گویا شما هنوز به مقام ارجمند مادر واقف نیستید. تربیت صحیح و زحمات فراوان این مادر، مرا به این مقام رسانید و پرورش اولیه او، زمینه ترقی و پیشرفت را در من ایجاد کرد. درحقیقت این همه توفیقات من، مرهون زحمات و تلاش‌های مشفقانه و مخلصانه این مادر است.»<sup>۸۶</sup> شاعر خوش‌ذوقی، سپاسگزاری از مادر را در قطعه شعری این‌گونه به تصویر کشیده است:

مادرم روح مهت روح و روان است مرا

مهر تو قوت تن ، قوت جان است مرا

در دل اندیشه تو گنج نهران است مرا

یک نگاه تو به از هر دو جهان است مرا

فارغم با تو ز هر خوب و بد ای پاک سرشت

زیر پای تو نهاد است خدا باغ بهشت

همه آثار وجودم ز وجود تو بود

به خدا بود من از پرتو بود تو بود

### \* فراز هشتم: آمرزش والدین

«اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ

۸۶- حقوق متقابل والدین و فرزندان، عبدالکریم پاک‌نیا، نشر کمال الملک.

مَكْرُوه، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لُهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لَدُنُوهِمَا، وَ عَلُوا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ؛ خداوند! اگر از جانب من آزاری به آنان رسیده، یا از من ناخوشایندی دیده‌اند، یا حقی از آنان به وسیله من از بین رفته همه را موجب پاک شدن آنان از گناهانشان و مایه بلندی مقامشان و افزونی حسناشان قرار ده، ای که بدی‌ها را با چندین برابر به خوبی تبدیل می‌کنی.» این فراز از بیانات نورانی امام زین‌العابدین علیه السلام این نکته را در مورد پدر و مادر در بر دارد که: در برابر آزار و و رنج‌هایی که نسبت به فرزندان به شما می‌رسد، خدای شکور برای شما جبران خواهد کرد؛ آن هم به گونه‌ای که احدی نتواند و ان بخشش گناهان شمامست و باعث بالا رفتن درجه و جایگاه شما در نزد من خواهد بود و نیز موجب ازدیاد نیکی‌هایتان خواهد شد؛ چراکه من خدایی هستم که بدی‌ها را به چند برابر حسنا پاداش می‌دهم، پس دل خوش دارید و نسبت به آینده فرزندان امیدوارانه کوشا باشید و انصافاً چقدر این نگاه به پدر و مادر در ناملايمات فرزندان آرامش می‌بخشد، چرا که طرف مقاب خدایی است با این اوصاف.

### آثار ناسپاسی به والدین

همچنان‌که، نیکی و احسان به پدر و مادر، موجب سعادت و رستگاری فرزندان شده و آثار و برکات مادی و معنوی به همراه دارد، ناسپاسی و بدی در حق آنان نیز فرجام ناشایست و آثار ذلت‌باری را به همراه دارد، که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱ - محرومیت‌های اجتماعی: با اینکه در مورد اهمیت دادن به دستورات اخلاقی، در متون دینی ما سفارش‌های

اکید شده است، اما در مورد کسانی که به والدین خود اهانت کرده و ناسپاسی می‌کنند دستورات باز دارنده‌ای آمده است. الف) سلب توفیق در انجام عبادات و ترک گناهان؛ امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خداوند، عقوق والدین و نافرمانی از آنان را حرام کرده است؛ زیرا این کار باعث سلب توفیق الهی در اطاعت از دستورات او می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

ب) جلوگیری از استجابت و برآورده شدن دعا؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «یکی از گناهی که مانع قبول شدن دعا می‌گردد، و هوا را تیره می‌کند، عقوق والدین است؛ و تیره شدن هوا کنایه از این است که بی‌احترامی به والدین مانع ادراک قلب نسبت به حق است.»<sup>(۲)</sup>

ج) شقاوت و بدبختی؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آزار رساندن به پدر و مادر، جزو گناهان کبیره است؛ زیرا خداوند کسی که مورد عاق والدین قرار گرفته است را گناه کار و شقی و بدبخت قرار داده است.»<sup>(۳)</sup>

۲ - سلب عدالت: شخصی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: «پیش‌نمازی که تمام شرایط امامت را دارا است، جز اینکه با پدر و مادرش، رفتاری تند دارد و با سخنان درشت آنان را می‌رنجاند، آیا شایستگی امامت را دارد و ما می‌توانیم به او اقتداء کنیم؟» پیشوای ششم علیه السلام فرمود: «لَا تَقْرَأْ خَلْفَهُ مَا لَمْ يَكُنْ عَاقًا قَاطِعًا؛ تا زمانی که او با پدر و مادرش رفتاری ناشایست دارد و والدین خود را ناراحت می‌کند، پشت سر او نماز نخوان.»

### \* فراز نهم: بخشش اشتباهات والدین

«اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ

۸۷- (۱) شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۹\* (۲) الکافی، دارالحدیث، ج ۴، ص ۲۵۷\* (۳) علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۹  
۸۸- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ج ۱، ص ۳۷۹.

فَعَلَ، أَوْ ضَيَعَهُ لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لُهُمَا، وَ جُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَ رَغَبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَّهَمُهُمَا عَلَى نَفْسِي، وَ لَا أَسْتَبْطِنُهُمَا فِي بَرِّي، وَ لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ؛ خداایا! اگر در سخن یا کردار از آن‌ها در حق من کوتاهی سر زده یا تزییع حق یا نادیده گرفتن امر واجبی صورت گرفته است، من همه آن‌ها را می‌بخشم و از آن‌ها درمی‌گذرم و مایلیم تو نیز آنان را ببخشی؛ چرا که من آنان را به تقصیر متهم نمی‌کنم و به مسامحه و کم کاری منسوب نمی‌سازم و سرپرستی آنان درباره خود را ناخوش ندارم، ای پرودگار من.»

حال باید توجه داشت چنانچه پدر و مادر به فرزند خود ظلم کردند، نگاه و رفتار این فرزند چگونه باید باشد؟ امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد که هر دو را ببخشیم و البته آن حضرت در فراز دهم چرایی آن را بیان می‌کنند.

### حقوق فرزندان بر والدین

حضرت سیدالساجدین علیه السلام در اینجا به حقوق فرزندان بر والدین اشاره دارد، زیرا همچنان که برای پدر و مادر حقوق بسیاری بر فرزندان لحاظ شده است، برای فرزندان نیز حقوقی منظور شده است که ادای آن‌ها بر والدین واجب است.

امام زین‌العابدین علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ بِهِ مِنْ حَسَنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَيَّ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ المَعُونَةَ لَهُ عَلَيَّ طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَن يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَيَّ الْإِحْسَانَ إِلَيْهِ مَعَاقِبٌ عَلَيَّ الْإِسَاءَةَ إِلَيْهِ؛ حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از تو است و خیر و شر دنیوی او دامن‌گیر تو خواهد بود و تو در

برابر فرزند خود مسئولی که او را به بهترین وجه ادب کنی و به طرف خداوند - جل جلاله - هدایت نمایی. بنابراین، نسبت به او خود را چنان موظف بدان که در مقابل احسان به او جزای نیکوداری و در صورت آزار وی و سر باز زدن از ادای حقوقش منتظر عقاب الهی باش. «نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: «يَلْزِمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَاهُمَا مَا يَلْزِمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عَقُوقِهِمَا؛ آنچه بر عاق شدن فرزند مترتب است، عینا متوجه پدر و مادری خواهد شد که به وظایف خود در مورد اولاد کوتاهی می کنند.»

در روایات دیگر این مضامین آمده است که حق فرزند بر پدر و مادر آن است که او را ادب کنند و از تربیت مناسب بهره مند سازند و عقاید صحیح را به او بیاموزند و در ایمان و اعتقاد او بکوشند و حرام به او نخوراند و مناظر منکر را به او ننمایانند. نیز آمده است که در قیامت بسیاری از فرزندان، از پدر و مادر خود شکایت خواهند کرد و از خداوند متعال می خواهند که آنها را سرزنش کند، زیرا موجب شده اند که فرزند دیروز وی امروز (قیامت) در کنار انبوه آتش و عذاب قرار گیرد.

### دعا برای والدین، وظیفه فرزند

امام علی (ع) در این قسمت هم وظیفه دیگری را برای فرزندان برشمرده است و آن، طلب مغفرت برای والدین در برابر کوتاهی ایشان است؛ یعنی چنانچه انسان تقصیری در ادای وظایف از سوی پدر و مادر مشاهده کرد، حتما آنان را عفو کند و از خدا برای والدین خود مغفرت بطلبد و علو درجات آنان را درخواست کند و تا می تواند با حسن ظن به آنان نظر کند و آنان را در آن چه کرده اند، معذور بداند و کم کاری آنان را بر عمد و تقصیر حمل نکند، بلکه چنین بیندیشد که شاید توان ذهنی یا امکان عملی آنان بیش از

این نبوده است. اصولا توقع بیش از قدرت فهم و توان افراد بی جا است. از این رو، باید در مقابل زحمات و رنج های فراوانی که پدر و مادر متحمل شده اند، از تقصیرهای احتمالی آنان در گذشت و از خداوند متعال برای آنان درخواست بخشش و مغفرت نمود. امام سجاد (ع) در فراز ششم به همین مسئله ظریف اشاره می فرماید.

### \* فراز دهم: پاسخ بدی هرگز!

«فَهَيْمًا أَوْ جَبَّ حَقًّا عَلَيَّ، وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَ أَعْظَمُ مَنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بَعْدَلٍ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلًا، أَيْنَ إِذَا - يَا إِلَهِي - طُولُ سُغْلِهِمَا بِنُرْبِيَّتِي! وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعْبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي! وَ أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ! خُداوند! رعایت حق آنان بر من واجب تر، و احسانشان نسبت به من دیرین تر، و نعمت شان بر من بیشتر از آن است که آنان را از روی عدل قصاص کنم، یا نسبت به ایشان مانند آن چه نموده اند رفتار کنم، ای خدای من! اگر چنین کنم پس روزگار طولانی که در تربیت من سپری کرده اند، و رنج های زیادی که در نگهداری من تحمل نموده اند، و آن همه که بر خود تنگ گرفتند، تا به زندگی من گشایش بخشند، چه می شود؟»

این نکته لازم به توضیح است که فرزندان هرگز نباید به پدر و مادر خویش بی احترامی کنند و باید تا حد توان والدین بد را هم محترم شمرد، اما اطاعت غیر از تکریم است و آن محدود به حدود الهی است.

### محدوده اطاعت

رعایت این همه حقوق والدین در صورتی است که خواسته آنان در جهت مخالف و نقض حقوق دیگران نباشد و گرنه اگر کسی به بهانه خدمت به پدر و مادر حقوق مسلم همسر

و فرزندان و سایر برادران و خواهران ایمانی را نادیده انگاشته و موجب آزار و اذیت آنان شود؛ نه تنها ثوابی انجام نداده بلکه مرتکب گناهی نابخشودنی شده است.

بنابراین والدین را فقط می توان در مسیر حق اطاعت نمود ولی اگر آنان بخواهند در راه باطل قدم بردارند برای فرزندان لازم است از همراهی با آنان خودداری نمایند.

روزی امام حسین (ع) از مقابل عبدالله بن عمرو عاص می گذشت، عبدالله با مشاهده امام حسین (ع) به حاضرین گفت: هر کس دوست دارد محبوب ترین مردم زمین را، در نزد اهل آسمان ببیند، پس به این شخص عابر بنگرد، گرچه من از حادثه صفین تا کنون با او سخن نگفته ام. ابوسعید خدری او را نزد امام حسین (ع) آورده و گفته هایش را مطرح نمود. حضرت (ع) از عبدالله پرسید: آیا تو می دانستی که من محبوب ترین مردم زمین، نزد آسمانیانم و در عین حال با من و پدرم در صفین به جنگ برخواستی؟ به خدا سوگند که پدر من از من بهتر بود!

عبدالله پوزش خواست و گفت: پیامبر ﷺ به من فرمود: از پدربت اطاعت کن. حضرت (ع) فرمود: آیا فرموده خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا»<sup>۸۹</sup> اگر پدر و مادرت تو را وادار کنند که آنچه را نمیدانی شریک خدا قرار دهی، امر آنان را اطاعت مکن! و آیا فرموده رسول خدا ﷺ را نشنیده بودی که: همانا اطاعت از غیر خدا، فقط در کارهای نیک است؟! و نیز گفتار آن بزرگوار را که: هیچ مخلوقی را در چیزی که نافرمانی آفریدگار است، نباید اطاعت کرد!<sup>۹۰</sup> از آنجا که توصیه به نیکی در مورد پدر و مادر، ممکن است

۸۹- لقمان/۱۵

۹۰- المناقب، ج ۴، ص ۷۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۷. فرهنگ جامع سخنان

امام حسین (ع)، ص ۸۰۲.

این توهم را برای بعضی ایجاد کند که حتی در مساله عقائد و کفر و ایمان، باید با آن‌ها مدارا کرد، در سوره لقمان که در کلام امام حسین علیه السلام نیز به آن اشاره شد می‌فرماید: «هرگاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قراردهی که از آن (حداقل) آگاهی نداری، از آنها اطاعت مکن؛ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا؛ در این آیه به دو نکته دقیق اشاره شده: ۱- هرگز نباید رابطه انسان با پدر و مادرش، مقدم بر رابطه او با خدا باشد، و هرگز نباید عواطف خویشاوندی حاکم بر اعتقاد مکتبی او گردد.

تعبیر به جاهداک اشاره به این است که پدر و مادر گاهی به گمان اینکه سعادت فرزند را می‌خواهند، تلاش و کوشش می‌کنند که او را به عقیده انحرافی خود بکشانند، و این در مورد پدران و مادران زیادی دیده می‌شود.

وظیفه فرزندان در این گونه موارد این است که هرگز در برابر این فشارها تسلیم نشوند، و استقلال فکری خود را حفظ کرده، عقیده توحید را با هیچ چیز معاوضه نکنند.

۲- ممکن است، این فرمان، این توهم را به وجود آورد که در برابر پدر و مادر مشرک، باید شدت عمل و بی حرمتی به خرج داد، بلا فاصله اضافه می‌کند که عدم اطاعت آن‌ها در مساله کفر و شرک، دلیل بر قطع رابطه مطلق با آنها نیست بلکه در عین حال با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن (وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا)؛ از نظر دنیا و زندگی مادی با آن‌ها مهر و محبت و ملاحظت کن و از نظر اعتقاد و برنامه‌های مذهبی، تسلیم افکار و پیشنهادهای آنها نباش، این درست نقطه اصلی اعتدال است که حقوق خدا و پدر و مادر، در آن جمع است.<sup>۹۱</sup>

۹۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲ و ۴۳.

### \* فراز یازدهم: حقوق جبران ناپذیر

«هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا، وَ لَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيْفَةَ خَدْمَتِهِمَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ، وَ أَعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ أَسْتَعِينُ بِهِ، وَ وَقْفَنِي يَا أَهْدَىٰ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تَجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هیهات! که پدر و مادرم بتوانند حق خود را از من بستانند، و من نمی‌توانم حقوقی را که از آن‌ها بر عهده دارم جبران نمایم، و وظیفه خدمت آنان را انجام دهم پس بر محمد و آلش درود فرست، و مرا یاری ده! ای بهترین کسی که از تو یاری می‌جویند، و مرا توفیق ده، ای هدایت کننده‌ای که به او روی می‌آورند، در آن روز که همه بدون آن که بر آنان ستم شود، پاداش می‌بینند، مرا در زمره آنان که عاق پدر و مادرند، قرار مده.»

امام سجاد علیه السلام در این فراز به فرزندان می‌آموزد که: چون فرزندان قطعاً نمی‌توانند متناسب با زحمات والدین، جبران داشته باشند لذا از خداوند بزرگوار باید کمک خواست و این توجه به ضعف خود و عظمت پدر و مادر است. پس حال که ما نمی‌توانیم، باید از بهترین یاور یعنی خداوند قادر کمک بگیریم.

### فرق خدمات مادر و فرزند

مردی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و گفت: یا رسول الله! مادرم پیر شده و در پیش من زندگی می‌کند او را در پشت خود حمل کرده و برای رفع حوائجش این طرف و آن طرف می‌برم و از در آمد خویش نیازهای وی را تأمین می‌نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیت‌ها محافظت می‌کنم. با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می‌نمایم. آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده‌ام؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، دست‌هایش محافظ تو، و آغوش او گهواره‌ات بوده است. و او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام داد و آرزو می‌کرد که تو زنده بمانی. ولی تو خدماتی را به وی ارائه می‌دهی در حالی که انتظار مرگ او را داری.<sup>۹۲</sup>

### \* فراز دوازدهم: امتیاز ویژه به والدین

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خداوند! بر محمد و آل او و نسل او درود فرست و پدر و مادرم را به بهترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده‌ای مخصوص گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

آن چه از این فراز مورد توجه است و ظهور دارد این است که: فرزندان توجه داشته باشند همیشه بهترین‌ها را برای پدر و مادر بخواهند، چه دنیایی و چه اخروی؛ لذا امام علیه السلام بهترین‌هایی را که خدا به پدران و مادران مؤمن مرحمت کرده است را برای پدر و مادر خویش تقاضا می‌کند و به ما نیز می‌آموزد که این گونه باشیم.

### رمز توفیق استاد مطهری رحمته الله

آیت الله مطهری (ره) عامل توفیقات خویش، را داشتن والدین شایسته و تکریم آنان می‌داند و چنین می‌گوید: «گاهی که به اسرار وجودی خود و کارهایم می‌اندیشم، احساس می‌کنم یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی‌ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوانی بوده است که به والدین خود به

۹۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

ویژه، در دوران پیری و هنگام بیماری کرده‌ام. علاوه بر توجه معنوی و عاطفی، تا آن جا که توانایم اجازه می‌داد، باوجود فقر مالی و مشکلات مادی در زندگی‌ام، از نظر هزینه و مخارج زندگی، به آنان کمک و مساعدت کرده‌ام.» یکی از فرزندان شهید مطهری (ره) نیز در این زمینه می‌گوید: «هرگاه به فریمان (زادگاه آقای مطهری) سفر می‌کردیم، پدرم تأکید خاص داشتند که ابتدا به منزل پدر و مادرشان بروم. پس از آن، اقوامی را که برای دیدن ایشان و خانواده، به منزل حاج شیخ می‌آمدند، می‌پذیرفتند. در موقع روبرو شدن با پدر و مادر، دست آنان را می‌بوسیدند و به ما نیز توصیه می‌کردند که دست ایشان را ببوسیم.»<sup>۹۳</sup>

#### \* فراز سیزدهم: یاد همیشگی

«اللَّهُمَّ لَا تُسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَ فِي إِيَّيْ مِنْ أَنَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي؛ بارالها! مرا به فراموشی یاد آنان پس از نمازهایم و در هیچ آن و لحظه‌ای از لحظه‌های عمرم مبتلا مفرما.»

در روایات زیادی به دعا بعد از نمازها و مخصوصاً نمازهای واجب یومیه سفارش شده است. از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ فَعَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ؛ خداوند عزوجل نمازهای پنجگانه را در بهترین اوقات، بر شما واجب نموده است. پس بعد از نمازها، دعا کنید.»<sup>۹۴</sup>

حال که دعا بعد از نمازها به استجاب نزدیک‌تر است، امام سجاد علیه السلام از جمله تعقیبات نماز را دعای بر پدر و مادر

۹۳- حقوق والدین بر فرزندان از دیدگاه اسلام، مهدی علوی، قم، ۱۴۱۱ ق.

ص ۱۲.

۹۴- خصال، ص ۲۷۸، ج ۲۳

قرار می‌دهد که نشان از اهتمام ایشان به والدین است. پس بیایید عهد کنیم از این پس به برکت دعای ۲۴ صحیفه و انس با امام زین‌العابدین علیه السلام، بعد از هر نماز برای پدر و مادرمان دعا کنیم.

#### اهمیت یاد پدر و مادر بعد از نمازهای یومیه

از سفارش‌های خداوند به انسان، شکرگزاری در برابر پدر و مادر است که در ردیف سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌های پروردگار قرار گرفته است. حق تعالی در آیه ۱۴ سوره لقمان می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلَدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفِصْلُهُ فِي عَامِّيْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لَوْلَدِيكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»؛ و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حمله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است. با این که نعمت خدا بیش از آن است که قابل شمارش و حد باشد ولی این آیه دلیل بر عمق وسعت حقوق پدر و مادر است. کوتاهی در ادای تکلیف در حق این دو وجود مبارک، خطایی نابخشودنی است.

فرزند باید در زمان حیات آن دو از اطاعتشان بهره ببرد تا موجب آرامش و آسایش روحی آنها شود و در زمان مرگشان برای جبران گذشته‌ها تا حد امکان دعا کند و در نماز و عبادت آموزش بطلبد و از خدا بخواهد که آنچه را از حقوق آنها ضایع کرده یا به آنان بدی روا داشته، اسباب گذشت و بلندی درجات و فزونی حسنات برای آنها قرار دهد تا خداوند به دعای فرزند، عفو و غفران را شامل حال آنان کند.

به هر حال دعا برای والدین، گذشته از آن که وظیفه فرزند است عبادتی برتر و اطاعتی بزرگ در نزد پروردگار است. امام رضا علیه السلام ابی‌شعیب خراسانی فرمود: کجا سکونت کرده‌ای؟ گفتم: کوفه، فرمود: همانا مسجد کوفه خانه نوح است. هر مردی که صد بار وارد آن شود، خداوند صد گناه او را ببخشد؛ زیرا که نوح علیه السلام در آن چنین دعا کرد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوْلَدِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...»<sup>۹۵</sup> پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانهم درآید و همه مردان و زنان با ایمان را ببامرز. شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند، چه حقی از آنان باقی مانده تا بجا بیاورم؟ حضرت فرمودند: برایشان نماز بخوانی و آمرزش بخواهی و عهد وصیت ایشان بجای آری و دوستان ایشان را گرامی بداری و خویشاوندان ایشان را نیکو بداری. حضرت افزودند: حق مادر دو برابر حق پدر است.

آخرین مطلبی که قرآن کریم از سرگذشت ابراهیم علیه السلام بازگو می‌کند، این که او در برخی سفرهایش در مکه از خداوند، هفت درخواست داشته است: امنیت مکه، دور ماندن از بت پرستی، توجه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او، بهره‌مند شدن ذریه او از ثمرات، توفیق اقامه نماز، قبول شدن دعاها و آخرین دعایش این است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لَوْلَدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»<sup>۹۶</sup>؛ پروردگارا! روزی که حساب برپا می‌شود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را ببامرز.

بنابراین در دعا، بستگان و نسل قبل انسان، باید مقدم و محترم یاد شوند.

۹۵-نوح ۲۸

۹۶-ابراهیم ۴۱

طلب مغفرت برای والدین در آیات و روایات به جهت کوتاهی آنان است. یعنی چنانچه انسان تقصیری در ادای وظایف از سوی پدر و مادر مشاهده کرد. آنان را عفو کند و از جانب خدا برای والدین خود رحمت و بخشش بخواهد و تا می‌تواند با گمان نیک به آنان نظر کند. کوتاهی و کم لطفی آنان را، بر قصد و تقصیر عمدی نگذارد، بلکه چنین تصور کند که توان فکری یا عملی آنها بیش از این نبوده است. از این رو باید در برابر زحمات و رنج‌های فراوان که پدر و مادر متحمل شده‌اند و از خوشی‌ها و لذت‌هایی که محروم شده‌اند، از درگاه حق طلب آموزش و رحمت برای آنان نمود. معمر بن خلاد گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: هر گاه پدر و مادر مذهب حق را نشناسد دعایشان کنم؟ حضرت فرمود: برای آنها دعاکن و از جانب آنها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند با آنها مدارا کن؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا مرا به رحمت فرستاده، نه نافرمانی و نه نامهربانی.<sup>۹۷</sup>

بنابراین، دعا و مناجات و طلب مغفرت برای پدر و مادر، توفیق معنوی و ذخیره آخرتی برای هر انسان است که بسیاری از این راه به درجات بالاتر رسیده‌اند.

به طور خلاصه، بهترین کاری که فرزند می‌تواند برای پدر و مادر خویش بعد از مرگشان انجام دهد، عبارت است از:

۱. انجام واجباتی که از آنها در حال زنده بودنشان از انجام آن بازمانده‌اند؛ مانند حج، نماز، روزه و پرداخت بدهی مالی که داشته‌اند.
۲. عمل به آنچه وصیت نموده‌اند.
۳. فراموش نکردن آنها تا آخر عمر؛ یعنی به نیابت از آنها صدقه دهد و اعمال مستحبی را به قصد

۹۷ - الکافی: ۲ / ۱۵۹، حدیث ۸

ایشان انجام دهد و تا می‌تواند برایشان خیرات بفرستد و ...

۴. طلب مغفرت برای والدین یکی دیگر از وظایف مهم فرزند در قبال پدر و مادر بعد از مرگ آنها است. فرزند باید در حق آنها دعای خیر کند و طلب مغفرت نماید، بویژه در صورتی که انسان بداند که پدر و مادرش در زندگی خود از نظر اعمال، رفتار و انجام عبادات خدای نکرده، نواقصی داشته‌اند، در این صورت طلب عفو و مغفرت می‌تواند بسیار مفید باشد.

۵. به نیکی یاد کردن از پدر و مادر: انسان وظیفه دارد که احترام پدر و مادر را حتی بعد از مرگشان حفظ کند و همیشه از آنها به خوبی یاد کند.

۶. نگاه داشتن حرمت آنها بعد از مرگشان. فرزند با رفتار و کردار شایسته در جامعه باعث دعای خیر مردم برای پدر و مادر خویش شده و وجود خود را صدقه جاریه‌ای برای والدینش قرار می‌دهد.

«الإمام الباقر علیه السلام: إِنْ الْعَبْدَ لِيَكُونَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضَىٰ عَنْهُمَا دِيُونُهُمَا وَلَا يَسْتَغْفَرُ لَهُمَا فَيَكْتَبُهُ اللَّهُ عَاقًا وَ إِنَّهُ لِيَكُونَ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍ لَهُمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَىٰ دَيْنَهُمَا وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتَبُهُ اللَّهُ بَارًا»<sup>۹۸</sup> امام باقر علیه السلام فرمود: همانا بنده‌ای نسبت به پدر و مادر خویش در زمان حیاتشان نیکوکار است، سپس آنها می‌میرند و او بدهی آنها را نمی‌پردازد و برای آنها آموزش نمی‌خواهد؛ لذا خدا او را عاق و نافرمان می‌نویسد. اما بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود، عاق آنها است و نسبت به آنها نیکی نمی‌کند، ولی چون از دنیا رفتند بدهی آنها را می‌پردازد و

۹۸ - کافی، ج ۲، ص ۱۶۳

برای آنها آموزش می‌خواهد و خدای عزوجل او را نیکوکار می‌نویسد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ فَوْتِهِمَا (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۸۶)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فرزندان نیکوکار فرمود: سرور نیکان در روز قیامت مردی است که بعد از مرگ پدر و مادرش به آنان نیکی کرده باشد.

بنابراین فرزند خوب فرزندی است که هر آنچه در توان دارد نسبت به پدر و مادرش انجام دهد، اعم از دعا و خیرات.

### \* فراز چهاردهم: والدین را بهشتی کن!

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِرَّهْمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا، وَ ارْضُ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَىٰ عَزْمًا، وَ بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ؛ معبودا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان دارم بیامرز و آنان را به خاطر خوبی‌هایی که در حق من داشته‌اند، مشمول آموزش حتمی خود قرار ده، و به شفاعت و میانجی‌گری من از آنان به طور حتمی خوشنود شو، و آنان را با بزرگواری و کرامت به سرمنزل مقصودشان در بهشت برین برسان.» همچنین این فراز ظهور در این دارد که: دعای فرزندان در حق پدر و مادر جدا باعث غفران الهی به آنان است و از طرفی، به طور قطع نیکی آنها نسبت به فرزندان نیز باعث بخشش گناهانشان می‌شود و رضایت الهی را به دنبال دارد و بهشت برین را که سراسر امن و سلامتی است به ارمغان خواهد آورد.<sup>ان شاء الله</sup>

### آثار نیکی به والدین در فرهنگ اسلامی

نیکی کردن به دیگران از ویژگی‌های بارز انسان‌های خدا جو و حقیقت طلب می‌باشد. این خصلت ارزشمند موجب می‌شود که انسان همواره در راه رسیدن به قله‌های سعادت و نیک بختی موفق و با نشاط باشد. قرآن کریم با ستایش از نیکوکاران، آثار و برکات دنیوی و اخروی آنرا نیز بیان می‌کند. در این جا به موضوع نیکی به والدین و آثار قابل توجه آن؛ که از شاخه‌های مهم نیکی کردن می‌باشد، از منظر قرآن و روایات می‌پردازیم.

با مروری اجمالی به آیات نورانی قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) می‌توان آثار و نتایج فراوانی را در مقابل نیکی و احسان به دست آورد و نیکی به والدین از شاخص‌ترین و بارزترین مصادیق آن است، که ما در این نوشتار به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

#### ۱. کامل شدن بندگی:

یکی از آثار نیکی به والدین این است که عبادت و ستایش خداوند و مقام بندگی بوسیله آن؛ برای انسان‌ها تکمیل می‌شود چراکه خداوند متعال در سوره اسراء بعد از فرمان عبادت خویش می‌فرماید: **وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا**؛<sup>۹۹</sup> و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا

رَبِّيَانِي صَغِيرًا؛<sup>۱۰۰</sup> و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» و در سوره نساء بعد از دستور به عبادت خداوند و نهی از شریک، نیکی به والدین را مطرح کرده و می‌فرماید: **وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**؛<sup>۱۰۱</sup> و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید.

از این لحن آیات معلوم می‌شود که عبادت خداوند بدون توجه به مقام و ارزش والدین ناقص خواهد بود. هم چنانکه در روایات آمده: شخصی از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) سؤال کرد: پیش نمازی است که تمام شرائط امامت را داراست، جز اینکه با پدر و مادرش رفتاری تند دارد، و با سخنان درشت آنان را می‌رنجاند؛ آیا به این پیش نماز اقتداء بکنم یا نه؟ پیشوای ششم (علیه‌السلام) فرمود: «تا زمانی که او با پدر و مادرش رفتاری ناشایست دارد و والدین خود را ناراحت می‌کند، در پشت سر او نماز نخوان.»<sup>۱۰۲</sup>

یعنی نمازی که بدون نیکی به والدین باشد کامل نیست.

#### ۲. سعادت دنیا و آخرت:

از دیگر آثار نیکی به پدر و مادر سعادت‌مندی و عزت در دنیا و آخرت است. قرآن در زمینه پاداش گسترده نیکوکاران می‌فرماید: **فَاتْتَهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ تَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**<sup>۱۰۳</sup> خداوند پاداش دنیا و زیبایی ثواب آخرت

۱۰۰- اسراء/۲۴.

۱۰۱- نساء/۳۶.

۱۰۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۷۹.

۱۰۳- آل عمران/۱۴۸.

را به نیکوکاران می‌دهد و خدا نیکوکاران را دوست دارد. همچنین خداوند متعال در قرآن کریم به داستانی اشاره می‌فرماید، که یکی از مهم‌ترین آثار محبت و احترام به پدر و مادر را نشان می‌دهد با توجه به اهمیت آن، نام بزرگترین سوره قرآن برگرفته از این داستان عبرت آموز می‌باشد. مفسران در تفسیر این آیه در سوره بقره که: **وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا...؛**<sup>۱۰۴</sup> (و بخاطر بیاورید) هنگامی را که موسی (علیه‌السلام) به قوم خود گفت:

خداوند به شما دستور می‌دهد ماده گاوی را ذبح کنید. نقل می‌کنند: صاحب این گاو مرد نیکوکاری بود و نسبت به پدر خویش احترام فراوان قائل می‌شد، در یکی از روزها که پدرش در خواب بود معامله پر سودی برای او پیش آمد، ولی او به خاطر اینکه پدرش ناراحت نشود، حاضر نشد وی را بیدار سازد و کلید صندوق را از او بگیرد، در نتیجه از معامله صرف‌نظر کرد.

حتی بعضی از مفسران گفته‌اند: فروشنده حاضر شد آن جنس را به هفتاد هزار بفروشد به این شرط که نقد بپردازد، و پرداختن پول نقد منوط به این بوده است که پدر را بیدار کند و کلید صندوق‌ها را از او بگیرد، ولی جوان مزبور حاضر می‌گردد که به هشتاد هزار بخرد ولی پول را پس از بیداری پدر بپردازد! بالاخره معامله انجام نشد. خداوند نیز در مقابل این گذشت جوان و نیکی به پدر، معامله پرسود بالا را برای او فراهم ساخت.<sup>۱۰۵</sup>

مفسران در این زمینه یادآور می‌شوند که گاو مورد نظر، در آن محیط منحصر به فرد بوده است و بنی اسرائیل آن را به

۱۰۴- بقره/۶۷الی ۷۴.

۱۰۵- تفسیر ابن کثیر ج ۱/ ص ۱۹۰/ ابن کثیر دمشقی/ دارالکتب العمیه/ بیروت.

تفسیر نمونه/ ج ۱/ ص ۳۱۱/ ناصر مکارم شیرازی.

قیمت بسیار گزافی خریدند. به این ترتیب آن جوان در اثر نیکی به پدر به بهره عظیم دنیوی رسید و با کسب رضایت الهی به پاداش اخروی نیز نائل خواهد شد.

پیامبر اسلام ﷺ نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید: **انظروا إلی الیر ما بلغ بأهله**؛ نیکی را بنگرید که با نیکوکار چه می‌کند؟!<sup>۱۰۶</sup>

### ۳. بهشت:

رسیدن به درجات عالی بهشت از دیگر ثمرات و آثار نیکی به پدر و مادر است. خداوند متعال در سوره یونس می‌فرماید: **لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**<sup>۱۰۷</sup>؛ کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

روایتی زیبا در این زمینه این وعده قرآنی را روشن‌تر می‌سازد: مردی به حضور امام جعفر صادق علیه السلام آمده و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! پدر من پیر شده است من او را به آغوش گرفته و برای رفع نیازهایش به این طرف و آن طرف می‌برم امام فرمود: تا می‌توانی این کار را خودت انجام بده که این عمل تو را به بهشت خواهد برد.<sup>۱۰۸</sup>

و در آیه دیگری در مورد این ثمره نیکوکاری می‌فرماید: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ**<sup>۱۰۹</sup>؛ به یقین، پرهیزگاران در باغ‌های

۱۰۶- تفسیر نور الثقلین / ج ۱ / ص ۸۸ / عبدالعلی عروسی حویزی / نشر اسماعیلیان /

قم. تفسیر نمونه / ج ۱ / ص ۳۱۰.

۱۰۷- یونس / ۲۶.

۱۰۸- عدة الداعی / ص ۸۶ / بن فهد حلی / دارالکتب الاسلامی / ۱۴۰۷ ق.

۱۰۹- الذاریات / ۱۵ و ۱۶.

بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند، و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند!

پیامبر اکرم ﷺ در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می‌کند: **الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ**<sup>۱۱۰</sup>؛ بهشت زیر پای مادران است و در جمله‌ای دیگر می‌فرماید: **تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ، رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ**<sup>۱۱۱</sup>؛ زیر پای مادران باغی از باغ‌های بهشت است. این سخنان بزرگ رهبر جهان اسلام، نهایت تکریم مقام مادر است، یعنی هر کس بخواد به عالی‌ترین مقامات انسانی و بهشت دست یابد، باید مادر خود را تکریم کند.

آبروی اهل ایمان خاک پای مادر است  
هر چه دارند این جماعت از دعای مادر است  
آن بهشتی را که قرآن می‌کند توصیف آن  
صاحب قرآن بگفتا زیر پای مادر است

### ۴. وفا به پیمان الهی

خداوند متعال از انسان‌ها پیمان گرفته که جز او پرستش نشود و با والدین نیک رفتاری شود. انسان در اثر نیکی به والدین و معاشرت شایسته با آنان، توفیق پیدا می‌کند که به این عهد الهی وفا کند. کلام وحی با اشاره به این عهد خداوندی می‌فرماید: **وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ**<sup>۱۱۲</sup>؛ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش

۱۱۰- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱

۱۱۱- همان.

۱۱۲- بقره / ۸۳

نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما- جز عده کمی- سرپیچی کردید و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

### ۵. فرزندان صالح

از منظر آیات نورانی قرآن نیکی کردن در این جهان، در هر دو عالم اثر وضعی و عکس‌العمل طبیعی، خواهد داشت و نیکوکاری هر کس در نهایت به خود او برمی‌گردد. خداوند می‌فرماید: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا**<sup>۱۱۳</sup>؛ اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.

در همین راستا کلام امام صادق علیه السلام نیز قابل دقت است که فرمود: **بُرُوا آبَائَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ**<sup>۱۱۴</sup>؛ به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند. یعنی نیکی شما به والدین در حقیقت به خودتان بر می‌گردد. هم‌چنانکه بدی کردن با دیگران همین نتیجه را در پی دارد.

### ۶. آموزش گناهان

بخشودگی گناهان یکی دیگر از آثار محبت و خوشرفتاری با والدین است. این معنی در سوره هود چنین آمده است: **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرٌ لِلَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ**<sup>۱۱۵</sup>؛ نیکی‌ها، گناهان (و آثار آنها را) از بین می‌برند این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!

هم چنین در آیه دیگری می‌فرماید: **لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ**<sup>۱۱۶</sup>؛ هر چه خواهند در پیش روی پروردگارشان.

۱۱۳- اسراء / ۷

۱۱۴- الکافی / ج ۵ / ۵۵۴ / محمد بن یعقوب کلینی / دارالکتب السلامیه / تهران.

بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

۱۱۵- هود / ۱۱۴



رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ لِيَكْفُرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي الَّذِي عَمِلُوا وَ يَجْزِيهِمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>۱۱۶</sup> انسان‌های نیک رفتار، آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است و این است جزای نیکوکاران! تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند (در مقابل اعمال نیک شان) ببامزد، و آنها را به سبب کارهای خوبشان که انجام می‌دادند پاداش دهد! پیشوای ششم علیه السلام در ضمن حکایتی؛ این اثر نیکی به والدین را اینگونه توضیح داده است: روزی مردی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و گفت: ای رسول خدا! زمانی من صاحب دختری شدم. او را پرورش دادم تا به حد بلوغ رسید، تا آن که روزی بر وی لباس نو پوشانده و آراستم و آنگاه بر سر چاهی آورده و در میان آن انداختم. او ناله می‌کرد و استمداد می‌طلبید، آخرین سخنی که از او به گوشم رسید، این بود که با آه و ناله می‌گفت: بابا...! یا رسول الله! کفاره این گناه من چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای مرد! آیا مادرت زنده است؟ گفت: نه.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا خاله‌ات زنده است؟ مرد گفت: بلی. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او سفارش کرد: ای مرد! برو و با خاله‌ات خوش رفتاری کن و به او نیکی نما زیرا که او به منزله مادر تو است و نیک رفتاری با او کفاره گناه تو خواهد بود. امام صادق علیه السلام در ادامه سخن خود افزود: در زمان جاهلیت پدران، دختران خود را می‌کشتند که مبادا اسیر شده و در میان قبیله‌های دیگر صاحب فرزندان شوند.<sup>۱۱۷</sup>

#### ۷. فتح قله‌های فضیلت

اتمام نعمت و رسیدن به قله‌های فضیلت و سعادت از دیگر

۱۱۶- زمر/ ۳۵ و ۳۵.

۱۱۷- الکافی، کتاب الایمان و الکفر، باب البر والدین، حدیث ۱۸.

برکات خداوند، به نیکی‌کنندگان به والدین است در کلام و حیاتی قرآن می‌خوانیم: ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ<sup>۱۱۸</sup> سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم (و نعمت خود را) بر آن‌ها که نیکوکار بودند، کامل کردیم و همه چیز را (که مورد نیاز آن‌ها بود، در آن) روشن ساختیم.

در روایتی آمده است: حضرت موسی علیه السلام مردی را دید که در پیشگاه حضرت حق به مقام والایی نائل شده است. درجه بلند او در نظرش مهم جلوه کرد و به حال او غبطه خورد. به این جهت در پیشگاه خداوند متعال عرضه داشت: خدایا! به چه علت این بنده‌ات را به این مقامات عالی رسانده‌ای؟ خداوند فرمود: ای موسی! او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و در راه سخن چینی هیچگاه قدم برنداشته است.<sup>۱۱۹</sup>

#### ۸. کامرانی در زندگی

کسانی که در راه نیکی به والدین گام برمی‌دارند همواره در اثر دعای خیر والدین خود و امداد الهی، در زندگی موفق و کامیاب خواهند بود. در سوره نحل آمده است: لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَنعَمُ ذَارُ الْمُتَّقِينَ<sup>۱۲۰</sup> (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق و کامرانی در زندگی که موجب می‌شود انسان از ابعاد مختلف زندگی بهره کافی برده

۱۱۸- انعام/ ۱۵۴.

۱۱۹- روضة الواعظین/ ج ۲/ ص ۳۶۷ محمد فتال نیشابوری/ نشر رضی/ قم.

۱۲۰- نحل/ ۳۰.

و آرامش خود را باز یابد، نیکی کردن به دیگران است و خدمت به پدر و مادر بالاترین نیکوکاری است. رسول خاتم صلی الله علیه و آله با اشاره به این نکته فرمود: خداوند چهار نعمت را در گرو چهار عمل قرار داده است: ۱. بهره‌مندی از دانش را در احترام به استاد ۲. تداوم ایمان را در تعظیم خداوند ۳. کامرانی و لذت زندگی را در نیکی به پدر و مادر ۴. نجات از آتش جهنم را در ترک آزار و اذیت مردم.<sup>۱۲۱</sup>

#### ۹. توفیقات معنوی

از دیگر اثرات نیکی به والدین قرار گرفتن انسان در ردیف اطاعت‌کنندگان از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. او با این عمل نیک خود توفیق می‌یابد: هم به آیه شریفه «وَ وَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»<sup>۱۲۲</sup> ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. عمل کرده و هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت نماید.

مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در مورد خدمت به پدر و مادر سؤال کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، با پدرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن.<sup>۱۲۳</sup> از آن جایی که اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در راستای پیروی از او امر خداوند متعال است خود ثوابی دیگر دارد و رستگاری و پیروزی را به دنبال می‌آورد و خداوند متعال فرمود: وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا؛<sup>۱۲۴</sup> هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند به رستگاری و پیروزی

۱۲۱- مواظظ العددیه / ص ۲۰۸/ علی مشکینی / نشر الهادی / قم.

۱۲۲- احقاف / ۱۵.

۱۲۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۱۲۴- احزاب / ۷۱.

بزرگی دست یافته است. به این جهت فرزندان صالحی که در معاشرت با والدین خود خوشرفتاری پیشه می‌کنند، از دستور رسول گرامی اسلام پیروی نموده و به درجات با شکوهی که خداوند متعال وعده داده است نائل می‌شوند.

### \* علت توفیقات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

از مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نقل شده است که ایشان در مورد رمز موفقیت‌های خود می‌فرماید: بنده اگر در زندگی خود در هر زمینه‌ای توفیقاتی داشته‌ام، وقتی محاسبه می‌کنم به نظرم می‌رسد که این توفیقات باید از یک کار نیکی که من نسبت به یکی از والدینم انجام داده‌ام باشد.

سپس در ادامه خاطره‌ای را که رمز موفقیت ایشان می‌تواند حساب شود، اینگونه نقل می‌فرماید: پدرم در سنین پیری - بیست و چند سال قبل از فوت - به بیماری آب چشم که موجب نابینائی می‌شود مبتلا شد بنده در آن موقع در قم مشغول تحصیل و تدریس بودم، از قم مکرراً به مشهد می‌آمدم و ایشان را به دکتر می‌بردم، و دوباره باز می‌گشتم تا اینکه در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی به ناچار برای معالجه، ایشان را به تهران آوردم، اطباء در ابتداء ما را مأیوس کردند گرچه بعد از دو سه سال یک چشم ایشان معالجه شد و تا آخر عمر هم میدید، اما آن زمان مطلقاً نمی‌توانست با چشم‌هایش جائی را ببیند و باید دست‌اش را می‌گرفتم؛ و این برای من یک غصه (بزرگ) شده بود، زیرا اگر به قم می‌آمدم، ایشان مجبور بود در گوشه‌ای از خانه بنشیند و قادر به مطالعه و معاشرت و هیچ کاری نبود، و انس و الفتی هم که با من داشت با دیگر برادران نداشت، با من به دکتر می‌رفت ولی همراه شدن با دیگران و رفتن به دکتر برایش آسان نبود،

وقتی بنده نزد ایشان بودم برایشان کتاب می‌خواندم و با هم بحث علمی می‌کردیم و از این رو با من مأنوس بود، به هر حال احساس کردم اگر ایشان را در مشهد مقدس تنها رها کنم و به قم برگردم، ایشان به یک موجود معطل و از کار افتاد تبدیل می‌شود که برای خود ایشان بسیار سخت بود، برای من نیز خیلی ناگوار بود از طرفی دوری از قم نیز برای من غیر قابل تحمل بود، زیرا که من با قم انس داشتم و تصمیم گرفته بودم که تا آخر عمر در قم بمانم.

بر سر دو راهی گیر کرده بودم، این مساله در ایامی بود که ما برای معالجه پدرم در تهران بودیم، روزهای سختی را در حال تردید گذراندم.

عصر تابستانی بود که سراغ یکی از بزرگان و دوستانم در چهار راه حسن آباد تهران رفتم. او اهل معنا و آدم با معرفتی بود، جریان را با ایشان تعریف کردم، در ضمن گفتم: من دنیا و آخرت خودم را در قم می‌بینم، اگر اهل دنیا باشم دنیای من در قم است و اگر اهل آخرت هم باشم آخرت من در قم است، خلاصه من باید از دنیا و آخرت خودم بگذرم که با پدرم به مشهد بروم و در آنجا بمانم!

آن بزرگوار تأمل مختصری کرد و فرمود: شما برای خدا از قم دست بکش و به مشهد برو، خداوند متعال می‌تواند دنیا و آخرت تو را از قم به مشهد منتقل کند.

من در سخنان ایشان تأملی کردم عجب حرفی است! انسان می‌تواند با خداوند معامله کند، با خودم گفتم برای خاطر خدا، پدرم را به مشهد می‌برم و همانجا می‌مانم، خداوند هم اگر اراده فرمود، می‌تواند دنیا و آخرت مرا از شهر قم به مشهد مقدس بیاورد، تصمیم خود را گرفتم، دلم باز شد و ناگهان از این رو به آن رو شدم؛ یعنی کاملاً راحت شدم و با حالت بشاش و آسودگی خاطر به منزل آمدم.

والدین من که چند روزی بود که مرا ناراحت می‌دیدند، از بشاش بودن من تعجب کردند به آنها گفتم: من تصمیم گرفتم با شما به مشهد بیایم و آنجا بمانم، آنها اول باورشان نمی‌شد که من از قم دست بکشم، با آنها به مشهد مقدس رفتم و آنجا ماندم و خداوند متعال بعد از آن، توفیقات زیادی به ما داد و به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم، اگر بنده در زندگی خود توفیقی داشتم اعتقادم این است که ناشی از همان برّ و نیکی است که به پدر و مادرم انجام داده‌ام.<sup>۱۲۵</sup>

### ۱۰. تکیه‌گاه مطمئن

خداوند می‌فرماید: **وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**<sup>۱۲۶</sup> کسی که تسلیم خدا باشد در حالی که نیکوکار است؛ به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده است) و عاقبت همه کارها به سوی خداست.

آری اثر نیکی به والدین این است که فرزندان به این وسیله توفیق می‌یابند با انجام وظیفه انسانی خود، در مسیر مطمئن قرار گیرند و به این وسیله، به سوی ارزش‌های انسانی - الهی حرکت کنند. خداوند متعال در آیات متعددی به این موضوع مهم می‌پردازد و به انسان توصیه می‌کند که نیکی به پدر و مادر را در سر لوحه زندگی قرار دهد و به این وسیله در پناه دژ مستحکم الهی قرار گیرد و خود را بیمه کند.

### ۱۱. راحتی در حال مرگ

قرآن در مورد نیکوکاران می‌فرماید: **بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ**

۱۲۵- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری .

۱۲۶- لقمان / ۲۲.

لَّهُ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۱۲۷</sup>؛ هر کس خود را از هر جهت برای خدا خالص و پاک گردانید در حالی که نیکوکار است پاداش نیکوکاری او نزد پروردگارش خواهد بود و ایشان را خوف و ترسی نیست و نیز (هنگام مرگ) اندوهگین نخواهند بود.

امام صادق علیه السلام به فرزندان نیکوکاری که با والدین خود خوشرفتاری می‌کنند مژده داد: هر کس دوست دارد خداوند در لحظه مرگ بر او آسان بگیرد به بستگان خود صلح کرده و به پدر و مادرش نیکی کند. در این صورت علاوه بر این که در لحظه جان دادن احساس آرامش و راحتی خواهد کرد، در دنیا نیز در زندگی خود به فقر و بیچارگی دچار نخواهد شد.<sup>۱۲۸</sup>

#### ۱۲. پاداش ویژه

افزون بر آثار بالا در مقابل نیکی به والدین، در آیات متعدد قرآنی خداوند متعال پاداش نیکوکاران را بی حساب و ویژه قرار داده است. نیکی به والدین که در میان همه نیکی‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد از مضامین روشن این اجراها است به دو مورد از این آیات اشاره می‌کنیم:

﴿ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴾<sup>۱۲۹</sup>؛ نیکوکاران، آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است و این است جزای نیکوکاران!

﴿ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾<sup>۱۳۰</sup>؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع

۱۲۷- بقره / ۱۱۲. ترجمه بر اساس تفسیر صافی / ذیل آیه شریفه .

۱۲۸- روضة الواعظین ، ج ۲ ، ص ۳۶۷ .

۱۲۹- زمر/ ۳۵

۱۳۰- زمر / ۱۰

است، که بردباران (در مسیر نیکو کاری) اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند!

برخی از این پاداش‌های ویژه به نیکوکاران در مورد پدر و مادر، که در روایات به آن تصریح شده از این قرار است:

#### ۱۲/۱- طول عمر و فراوانی روزی

خاتم پیامبران علیهم السلام فرمود: هر کس می‌خواهد عمری طولانی، گشایش در زندگی، وسعت رزق و روزی فراوان داشته باشد، به پدر و مادرش نیکی و احسان نماید، چراکه این عمل بخشی از اطاعت خدا است.<sup>۱۳۱</sup>

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که : هر کس برای من خوشرفتاری به پدر و مادرش را تعهد نماید، من نیز متقابلاً فراوانی مال، زیاده عمر، و محبت و سربلندی او را در میان خانواده و بستگانش تضمین می‌کنم.<sup>۱۳۲</sup>

#### ۱۲/۲- ثواب شهادت

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جوانی را مشاهده کرد که مشغول کسب و کار خود بود؛ به وی فرمود: ای جوان ! آیا از در آمد این شغل خود، کسی را هم سرپرستی می‌کنی؟ گفت: بلی یا رسول الله. فرمود: چه کسی را؟ گفت: مادرم را. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از خدمت او دست بردار که بهشت در زیر پای اوست. آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزود: اگر ثواب شهادت فقط برای کسانی بود که در راه خدا کشته می‌شوند، شهدای امت من کم می‌شد، سپس حضرت در توضیح سخن خود هفت گروه از مسلمانان را که در ردیف شهدا محسوب می‌شوند، برشمرد و در مورد گروه هفتم فرمود: کسانی که برای عزت

۱۳۱- روضة الواعظین ، ج ۲ ، ص ۸۵ .

۱۳۲- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۷۶ .

نفس خود و خانواده و آسایش والدین تلاش می‌کنند در ردیف شهدا خواهند بود.<sup>۱۳۳</sup>

#### ۱۲/۳- سروری نیکان

در این جهان افراد زیادی کارهای نیک انجام می‌دهند و خیرات و مبرات فراوانی را درنامه عمل‌شان به ثبت می‌رسانند که در روز قیامت برای آن پاداش معین شده است اما از نگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیکوکاران به والدین، سرور آنان در قیامت خواهند بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سر آمد نیکان در روز قیامت شخصی است که به پدر و مادر خود بعد از مرگ آنان نیکی کرده باشد.<sup>۱۳۴</sup>

#### ۱۲/۴- ثواب حج مقبول

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ فرزند نیکوکاری نیست که به چهره پدر و مادر خود نگاهی مهربانانه و شفقت آمیز بیندازد، مگر اینکه خداوند متعال برای هر نظری، ثواب یک حج مقبول منظور می‌نماید. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! آیا اگر فردی هر روز صد مرتبه به چهره پدر یا مادرش نظاره کند باز هم این پاداش را دریافت خواهد کرد؟ فرمود: آری، اگر روزی صد بار این کار را انجام دهد، ثواب صد حج پذیرفته خواهد داشت. خداوند متعال قادر است که پاداش بیشتر و بهتری عنایت کند.<sup>۱۳۵</sup>

#### ۱۲/۵- پاداش جهاد

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی پیش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و

۱۳۳- کنز العمال/ ج ۴/ ص ۶۰۷/ علاءالدین متقی هندی / مؤسسه الرساله / بیروت.

۱۳۴- سید الابرار یوم القيامة رجل بر والدیه بعد موتها بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۸۴ / علامه محمد باقر مجلسی / مؤسسه الوفاء / لبنان

۱۳۵- امالی طوسی / مجلس ۱۱ / محمد بن حسن طوسی / نشر دارالتفاهه / قم. کنز

العمال / ج ۱۶ / ص ۴۷۸ .

عرض کرد: ای رسول خدا! من با تو برای هجرت و جهاد بیعت می‌کنم. پیامبر ﷺ پرسید: آیا از پدر و مادرت یکی زنده است؟ گفت: بلی، هر دوی آن‌ها در حال حیات‌اند. پیامبر ﷺ دوباره سؤال کرد: آیا از خداوند متعال پاداش اخروی می‌خواهی؟ گفت: بلی. پیامبر ﷺ فرمود: پس به سوی پدر و مادرت برگرد و با آنان نیک رفتاری کن.<sup>۱۳۶</sup>

#### ۱۲/۶- برترین اعمال

منصورین حازم، به امام ششم علی (ع) عرضه داشت: «کدام یک از اعمال نیک از سایر اعمال برتر است؟» امام علی (ع) فرمود: «الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبَهَا وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۱۳۷</sup> نماز در وقت خودش، نیکی به پدر و مادر، و جهاد در راه خدا.»

#### ۱۲/۷- سپر آتش جهنم

مردی به حضور امام ششم علی (ع) آمده و عرضه داشت: «ای پسر رسول خدا! پدر من پیر شده است. من او را به آغوش گرفته و برای رفع نیازهایش به این طرف و آن طرف می‌برم.» امام علی (ع) فرمودند: «إِنَّ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ فَأَفْعَلْ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ غَدًا»؛<sup>۱۳۸</sup> تا می‌توانی این کار را [خودت] انجام بده که این عمل، فردای قیامت برای تو سپر آتش جهنم خواهد بود.»

#### \* فراز پانزدهم: شفاعت متقابل

«اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهْمَا فَشَفَعْنَاهُمَا فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفَعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ،

۱۳۶- مستدرک الوسائل/ج ۱۵/ص ۱۷۷. محدث نوری/نشر آل البيت ع/ قم.

۱۳۷- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۸۵.

۱۳۸- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ خداوند! اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیدی پس ایشان را شفیع من قرار ده و اگر مرا قبل از آنان مورد آموزش قرار دادی پس مرا شفیع ایشان بنما تا در پرتو مهربانی‌ات در سرای کرامت، و جایگاه مغفرت و رحمت گرد آئیم، زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرین هستی و تو مهربان‌ترین مهربانانی.»

#### راه کارهای جبران کرامت‌های والدین

در این جا امام علی (ع) راهکار جبران کرامت‌های وصف ناپذیر پدران و مادران را می‌آموزد. البته این نکته روشن است که گذشته از لزوم ادای احترام و مهرورزی به والدین در زمان حیات، شایسته است فرزندان پس از وفات آنان، به روح آنان خیراتی نثار کنند و برای ایشان از حضرت احدیت طلب مغفرت و رحمت کنند(همان‌طور که در دعای قبلی اشاره شد)، اما از اینها که بگذریم، امام سجاد علی (ع) در این دعا روش بدیعی را به ما می‌آموزد؛ حضرت می‌فرماید: «وَ اغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِرِهِمَا يَ». یعنی خدایا! مرا بیامرز چون آنان را دعا کرده‌ام و آنان را بیامرز به سبب نیکیی که در حق من روا داشته‌اند.

در این دستور مختصر، نکات نغزی نهفته است:

الف- دعا برای پدر و مادر عبادت است و موجب مغفرت خود شخص دعا کننده می‌شود.

ب- نیکی پدر و مادر به فرزند موجب مغفرت آنان است.

ج- یادکردن فرزندان از نیکی پدر و مادر و توجه به خدمات آنان ضروری است.

د- یادآوری فرزند از حقوق فوق العاده پدر و مادر الزامی است.

در ادامه، حضرت سجاد علی (ع) می‌فرماید: «خدایا! به سبب شفاعت و دعای من رضایت خود را شامل حال آنها بگردان.» از این فرموده امام علی (ع) معلوم می‌شود دعا و درخواست فرزند و شفاعت او برای مغفرت پدر و مادر مؤثر است و چه بسا آنان را از گرفتاری‌های برزخ نجات دهد و این خود تشویق بلکه الزام است که فرزندان یادآور والدین باشند.

آنگاه امام علی (ع) عرض می‌کند: «خدایا! اگر مغفرت تو موجب نجات من شود، شفاعت مرا بپذیر و اگر مغفرت تو باعث نجات والدین من است، شفاعت آنان را درباره من بپذیرا باش.» دو نکته در این مورد شایسته یادآوری است:

الف) فقط مغفرت خدا موجب ورود به بهشت و نجات است و هیچ چیز از هیچ کس نجات بخش نخواهد بود. ب) تنها شفاعت مؤمنان پذیرفتنی است و خداوند متعال شفاعت آبرومندان را خواهد پذیرفت و این حقیقت، امیدی برای مؤمنان است که آنان اهل نجات و شافع‌اند؛ از این رو، می‌توان شفاعت را تعمیم داد و بر این اساس، عالمان و مؤمنان و اهل نجات پس از معصومین علی (ع) از زمره شفاعت‌کنندگان هستند. امید آن که خداوند متعال شفاعت پاکان را نصیب ما نیز بفرماید. ان شاء الله.

حمد مخصوص خداست که ما را به محمد و آل

محمد هدایت فرمود و با کتاب شریف صحیفه

سجادیه مأنوس قرار داد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا

أَنْ هَدَانَا اللَّهُ؛ ستایش و سپاس از آن خدایی است

که ما را به این (جایگاه پسندیده) راهنمایی کرد،

و اگر خدا ما را رهنمون نمی‌شد ما هرگز راه

نمی‌یافتیم.

حدود و محتوای مسابقه صحیفه سجادیه پایه هشتم

<p>مرحله اول (آموزشگاه)</p>	<p>آزمون کتبی: پرتوی از زندگی نامه امام سجاد(علیه السلام) و ترجمه دعای ۲۴ صحیفه سجادیه</p>
<p>مرحله دوم (منطقه‌ای)</p>	<p>آزمون کتبی: زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام) و ترجمه دعای ۲۴ صحیفه سجادیه</p>
<p>مرحله سوم (استان)</p>	<p>آزمون کتبی و شفاهی: زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام)، دعاخوانی، ترجمه، شرح و توضیح دعای ۲۴ صحیفه سجادیه</p>



« صحیفه سجادیه، علی الظاهر فقط کتاب  
دعاست؛ اما آن هم مثل نهج البلاغه، کتاب  
درس و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب  
راهنمای زندگی سعادتمندانه انسان است. »

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



[www.serat.pt.medu.ir](http://www.serat.pt.medu.ir)

ISBN:978-600-390-040-0



[www.monadi.org](http://www.monadi.org)

Email: info@monadi.org